

امام علی علیه السلام:
با مهربانی به دیگران است که رحمت خدا فرود می آید.

میزان الحکمه | ج ۴ | ص ۳۹۲

آیات

نشریه فرهنگ اجتماع

دوستان عزیز شما می توانید برای ارتباط با ما و یا دادن آگهی از ایمیل abtabjournal@gmail.com استفاده کنید و یا با شماره تلفن ۰۹۳۸۱۹۶۰۴۹۲ تماس حاصل فرمائید. همچنین، می توانید مقالات خود را به ایمیل abtabarticle@gmail.com ارسال کنید. هر یک از شما دوستان عزیز در ایران و حتی دور از مرزهای سرزمین مادری، می توانید خبرنگار افتخاری ما باشید. مطالب شما در صورت تأیید صحت آنان توسط کارشناسان آبتاب به نام نویسنده ی آن چاپ خواهند شد. لطفا نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده خود را از ما دریغ نفرمائید. ماهنامه آبتاب هر ماه به بهترین پیشنهادها، راهکارهای سازنده و مقالات هدیه ای به رسم یادبود اهداء خواهد کرد. از اینکه همراه و یاور ما در راه اعتلای فرهنگ کشور عزیزمان ایران هستید، صمیمانه سپاسگزاریم. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه الکترونیکی آبتاب

دوره انتشار: ماهنامه

موضوع: فرهنگی-اجتماعی

زبان: فارسی

شروع انتشار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه مهسا کارآموزیان

رئیس شورای سیاست گذاری: مرتضی رجائی خراسانی

مشاور حقوقی: سید جمال موسوی

مدیر فنی: شارا سرکیسیان

مشاور هنری: مهسا مستقیمی

هیأت تحریریه: دکتر حسین بیات- پرفسور سروش سرداری- دکتر غلامرضا شریفی- دکتر مهتری نجات- دکتر امید نوری

محمد علیزاده ثانی- استاد شکوفه دیوانی- محمدعلی کیهانی- صدیقه انجم شعاع- نیلا وفائیان

طراح گرافیک و صفحه آرا: عادل خداوردی، استودیو گرافیک زیگورات

مدیر اجرایی: آذر سعیدلونیا

آدرس: تهران، شهرک غرب، خیابان گل افشان.

آدرس پایگاه خبری: www.abtaab.ir

ضریب کیفی نشریه فرهنگی اجتماعی آبتاب براساس جلسه مورخ ۳/۱۰/۹۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع-رسانی برابر

با ۷۳ اعلام شده است.

سخن سردبیر

فاطمه مهسا کارآموزیان

از دیگر علل مهم خودکشی در میان زنان می توان از عدم استقلال مالی و اجتماعی نام برد که فرد حقوق خود را تضییع شده می انگارند و امیدی به آینده ندارد. به طور کلی، کمبود حمایت از خانواده و فقر دو عامل خطر مهم برای خودسوزی است. در غرب ایران، که اکثر موارد خودسوزی توسط زنان جوان انجام می شود، شایع ترین انگیزه های خودسوزی عبارتند از: افسردگی شدید، فقر و مسائل خانوادگی. باید گفت که دو راهبرد اصلی فردی و اجتماعی برای جلوگیری از خودکشی وجود دارد. مدل بهداشت عمومی جهانی رایج ترین روش برای دستیابی به این هدف است. این رویکرد شامل پنج مرحله: تعریف مشکل، علت، نظارت و ارزیابی است. بازگو کردن داستان قربانیان خودسوزی از طریق رسانه ها هم می تواند در افزایش آگاهی مردم نقش داشته باشد و موجب پیشگیری از رفتارهای پرخطر مشابه در جامعه شود. رسانه ها باید این فرصت را برای مردم بوجود بیاورند تا در مورد افرادی که خودسوزی می کنند و سرنوشت آنها بیشتر و بهتر بدانند. مخاطبان رسانه باید از عوارض سوختگی مطلع شوند و در کنار آن بتوانند با ارائه پیشنهاد و راهکار به کاهش سطح آسیب در همان جامعه کمک کنند. اعتقادات فرهنگی و مذهبی قوی که بازدارنده خودکشی هستند را باید برای افراد جامعه یادآوری کرد. ارتقاء سلامت روانی به عنوان روش پیشگیری از خودکشی اهمیت بسزایی دارد. بهبود سلامت روان، روابط بین فردی، مشکلات زناشویی و ساختار خانواده باید بیشتر در راهکارهای پیشگیرانه تأکید شوند. ایجاد عدالت اجتماعی همراه با افزایش فرصت های آموزشی و اشتغال در طیف وسیعی از مناطقی که آسیب پذیرتر هستند، بسیار حائز اهمیت است. تدوین و اجرای برنامه های آموزشی برای دانش آموزان در مدارس نیز می تواند سودمند باشد. در این ارتباط نقش سودمند سازمان های مردم نهاد را نباید نادیده گرفت. علل خودکشی و خودسوزی به طور خاص باید توسط دولت ها، برنامه ریزان، قانون گذاران، متخصصان و سازمان های غیردولتی اولویت بندی شوند. استراتژی های پیشگیری باید بیشتر بر روی همکاری و تعهد تأکید داشته باشند و با صبر و پایداری به پیش برده شوند. به امید روزی که دیگر شاهد وقوع این آسیب دردناک در کشورمان و در میان فرزندان عزیزمان نباشیم.

خودکشی مسیری دردناک در انتخاب مرگ است. وجود این آسیب بیانگر مسائل مهم روانشناختی در جامعه می باشد که در سرتاسر جهان و در جوامع مختلف خودنمایی می کند، هرچند شیوع آن در کشورهای توسعه یافته به مراتب کمتر از سایر نقاط جهان می باشد. در خودکشی فردی آگاهانه و از روی عمد مرگ را می پذیرد. روش های مختلف خودکشی بر اساس فرهنگ، نمادها، دین، مناطق جغرافیایی، جنسیت و عوامل اجتماعی-اقتصادی متفاوت هستند. در این میان خودسوزی یک روش معمول برای خودکشی است که در رده آسیب های سوختگی قرار می گیرد و نیاز به درمان طولانی مدت و همچنین توانبخشی اجتماعی و عاطفی دارد. متأسفانه، در جوامع در حال توسعه مانند ایران، خودسوزی بیشتر در میان زنان دیده می شود. سازمان بهداشت جهانی (WHO) و انجمن بین المللی پیشگیری از خودکشی (IASP)، روز ۱۰ سپتامبر را روز جهانی مبارزه با خودکشی اعلام کرده اند تا توجه بیشتری به چنین مشکلاتی شود و خواستار اقدام فوری جهانیان برای پیشگیری از آن شوند. در این میان کشور ما ایران در جدول رتبه بندی جهانی برای میزان خودکشی دارای رتبه ۹۳ در میان سایر کشورهای جهان است که آمار مرگ با خودسوزی در آن بسیار زیاد است. خودکشی معمولاً به دنبال اختلالات روانی قبلی در فرد یا به علت مصرف الکل، موادمخدر، بیماری های روانی، اختلاف سنی با همسر، فقدان درک از سوی همسر، مشکلات فرزندان، ازدواج زودهنگام، فقر، عوامل ژنتیکی و مادرزادی، فقدان محبت در خانه، تحقیر شدن، حساسیت بیش از حد در رابطه با تابو طلاق، بیکاری و آسیب های عاطفی بوجود می آید که باید گفت خودکشی با روش خودسوزی خشونت آمیزترین و اغلب دشوارترین نوع مرگ است. خودسوزی در کشورهای توسعه یافته بسیار نادر است، اما در سایر کشورها اغلب به عنوان یکی از علل مرگ و میر بویژه در میان زنان رده سنی ۱۵ تا ۴۴ سال است. در ایران تا ۷۱٪ از خودکشی های انجام شده از طریق خودسوزی انجام می شوند. میزان شیوع خودسوزی در استان های کرمانشاه و ایلام (غرب ایران) نسبت به سایر استان ها بیشتر است. میانگین سن اغلب قربانیان خودسوزی در ایران بین ۱۸ تا ۲۷ سال است. در مقابل کشورهایی چون استرالیا که بیشتر خودکشی ها مردانه است، در ایران بیشتر خودکشی ها در میان جمعیت زنان انجام می گیرد. نیاز است تا زنانی که آسیب پذیر هستند، تحت نظارت باشند. گزارش شده است که افسردگی و اسکیزوفرنی از مهمترین اختلالات روانپزشکی هستند که منجر به خودکشی با روش خودسوزی می شوند.



فلسطین با توطئه سکوت نادیده گرفته میشود!

رهبرانقلاب، امروز در دیدار شرکت‌کنندگان در سیزدهمین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی: موضوعات مهمی در دستور این اجلاس است اما از بعضی موضوعات غفلت شده است. مسئله یمن و بحرین از مسائل مهمی است که جراحات‌های عمیق و وخیمی هستند و باید حل شوند. ایشان در ادامه افزودند که توصیه بنده به برادرانمان در دنیای اسلام این است که باید در مسائل اساسی دنیای اسلام صریح باشیم تا بتوانیم جریان‌سازی کنیم و روی افکار عمومی اثر بگذاریم. نگذارید شما را نادیده بگیرند و با توطئه‌ی سکوت مسائل اصلی و مهم دنیا اسلام نادیده گرفته شود. نباید اجازه داد که این امپراطوری خطرناک و سهمگین تبلیغات غرب که دست صهیونیست‌هاست این مسائل را نادیده بگیرند. فلسطین یک مسئله مهم دنیای اسلام است که بطور کلی نادیده گرفته میشود.

۹۶/۱۰/۲۶

خودسوزی

در ایران در حال افزایش است

رئیس مرکز تحقیقات سوختگی دانشگاه علوم پزشکی ایران با اشاره به اینکه خودسوزی در ایران در حال افزایش است، گفت: سالی ۳۰ هزار بیمار بر اثر سوختگی بستری می‌شوند، در حالی فقط هزار و ۳۵۰ تخت سوختگی در کل کشور وجود دارد. در ایران سالانه حدود ۳ هزار نفر بر اثر سوختگی جان خود را از دست می‌دهند که اکثر آن‌ها از عفونت بعد از سوختگی فوت می‌شوند و شایع‌ترین علت مرگ در بیماران سوختگی همین عدم کنترل عفونت است.

خودسوزی در برخی استان‌ها مانند ایلام، کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و شمال خوزستان بسیار شایع است و جزو فجیع‌ترین نوع سوختگی‌ها حساب می‌شود. افرادی که خودسوزی می‌کنند به علت اینکه درصد بالایی از بدنشان می‌سوزد، بیشتر از دیگر بیماران در معرض مرگ و میر هستند. متأسفانه، خودسوزی در ایران در حال افزایش است.

لایحه

«مقابله با خشونت علیه زنان»

در مراحل پایانی

ابتکار در ادامه به پیگیری مسأله تشکیل کارگروه ملی زنان سرپرست خانوار اشاره کرد و گفت: در مورد این مسأله با تعدد و تکرار دستگاه‌ها رو به رو بودیم و لازم بود تا هماهنگی بین دستگاه‌ها در عالی‌ترین سطح خود اتفاق بیفتد. خوشبختانه ماده ۸۰ قانون برنامه این زمینه را فراهم و مسئولیت آن را بر عهده معاونت زنان گذاشته است. وی در ادامه اظهار کرد: برای تشکیل این ستاد کارگروهی را تعیین و تمام دستگاه‌های مسئول را دعوت کردیم تا اولین گام‌های هماهنگی و انسجام بین دستگاهی را از طریق «بانک اطلاعاتی» مشترک، تعیین وضعیت زنان سرپرست خانوار و فراتحلیل‌های موجود درباره این قشر آسیب پذیر جامعه انجام دهیم. در ادامه پیش شرط‌هایی که باید در زمینه توان افزایی، کارآفرینی، بیمه و تأمین اجتماعی رعایت کنیم را در قالب چارچوب‌های اولیه مشخص کرده‌ایم. معاون زنان و امور خانواده رئیس جمهور با بیان اینکه سازمان بهزیستی و کمیته امداد در زمینه زنان سرپرست خانوار همکاری و اقدامات خوبی داشته‌اند، اضافه کرد: امیدواریم بتوانیم این مسأله را که قبلاً در اثر ناهماهنگی بین دستگاه‌ها تبدیل به معضل شده بود حل کنیم. وزارت رفاه به ما قول داده است تا یک درگاه مشترک برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کنیم. این هماهنگی از جهت اطلاعات و تجمیع سیاست‌ها مهم است و باعث می‌شود اقدامات کارآمدتری داشته باشیم.

معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور شاخص‌ترین اقدام این معاونت در ۱۰۰ روز نخست عملکرد دولت دوازدهم را سیاستگذاری در حوزه زنان دانست و گفت: «پیگیری لایحه حمایت از حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه آنها» جزو شاخص‌ترین اقدامات صورت گرفته به شمار می‌رود که کار بسیار خوب و منسجمی در این رابطه با قوه قضاییه انجام شده و تقریباً به مراحل پایانی خود رسیده است. وی با بیان این که معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در مورد لایحه حمایت از حقوق کودکان نیز پیگیری‌هایی انجام داده است، اظهار کرد: «این لایحه در حال حاضر در کمیسیون قضایی مجلس است و پیگیری‌ها و جلساتی که با حضور معاونت صورت گرفته، باعث شده این لایحه نیز در حال رسیدگی باشد.»

وی با تأکید بر اینکه یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات در حوزه سیاستگذاری مربوط به تعیین شاخص عملکرد دیگر دستگاه‌ها در حوزه زنان و پایش آنهاست افزود: ماده ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون برنامه تکلیف کرده که این معاونت شاخص‌ها را تعیین کند، سپس در ستاد زنان و خانواده به تصویب برساند و در نهایت رصد و پایش شاخص‌ها نیز به عهده معاونت زنان باشد. معاون زنان و امور خانواده رئیس جمهور در ادامه تصریح کرد: مقدمات این کار و هماهنگی با دستگاه‌های دیگر در دستور کار ستاد قرار گرفته و همه کارهای مربوط به آن انجام شده است. در حال حاضر منتظریم تا رئیس جمهور فرصتی را در اختیار ستاد قرار دهند تا بتوانیم بسته تهیه شده را نهایی کنیم و کار رصد شاخص‌ها را آغاز کنیم.



حضور نوازندگان زن روی صحنه، اشکالی ندارد

سیدعباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) گفت که قطعاً از نظر ما حضور نوازندگان خانم روی صحنه کنسرت های ارکسترال اشکالی ندارد و همه جا باید با همین رویه نسبت به حضور هنرمندان خانم روی صحنه اقدام کنند. در حوزه تکنوازی هم ما دستورالعمل‌هایی داریم که در همه جای کشور به صورت یکسان وجود دارد. صالحی در پاسخ به این سوال که چرا وحدت رویه‌ای در ارشاد استان‌ها وجود ندارد و محدودیت‌های غیرقانونی در برخی استان‌ها برای ممانعت از حضور بانوان موزیسین روی صحنه وجود دارد، گفت: "تدوین دستورالعملی که طی آن اجراهای موردنظر حوزه موسیقی در شهرهای مختلف کشور از یک قانون تبعیت کنند، نیازمند بررسی و اجرایی کردن آن در مرکز است. به هر ترتیب در این نوع موارد حتماً باید رویه عمومی به عنوان معیار مورد نظر قرار گیرد و به طور طبیعی اگر اتفاقاتی خارج از این رویه انجام بگیرد نیز نباید بار دیگر اتفاق بیفتد."

بی‌پناهی و آوارگی کمترین آسیب ناشی از اعتیاد زنان

سیده فاطمه ذوالقدر عضو هیأت رئیسه فراکسیون زنان مجلس، با بیان اینکه تعداد زنان معتاد به مواد مخدر رو به افزایش بوده، اما آمار دقیقی از آن ارائه نشده است؛ از مسئولان خواست که در پی رفع این معضل چاره‌اندیشی کنند. وی از اعتیاد زنان به عنوان عاملی در جهت شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و مشکلات خانوادگی یاد کرد و گفت: "بروز این مشکلات در بین زنان به فرهنگ خانواده‌ها برمی‌گردد که تا چه اندازه در بروز این معضلات برای آنها عادی سازی شده باشد."

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلام شهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه نمی‌توان نقش زنان را در شکل‌گیری الگوهای رفتاری در خانواده‌ها نادیده گرفت، گفت که زنان نسبت به سایر افراد جامعه آسیب‌پذیرتر هستند و اغلب در پی بروز مشکلات عاطفی و اقتصادی به اعتیاد پناه می‌برند که خود نقطه آغاز ایجاد سایر آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن می‌شود.

تراژدی خودسوزی در میان زنان "خدای من بگذار تا من بمیرم،" درمان زنانی که در افغانستان خودسوزی می کنند!

شکایتی علیه برادرزاده زن جوان نزد پلیس محلی تنظیم شده بود، اما هیچ اقدامی روی آن صورت نگرفته بود. زمانی که در این اکثر بیماران بخش سوانح سوختگی زنان هستند، این امر نشان دهنده ی مشکلی بزرگ در افغانستان است که عامل اصلی آن خشونت علیه زنان می باشد. اعتقاد بر این است که حدود ۸۷ درصد از زنان افغان حداقل یک بار مورد سوء استفاده در خانه قرار گرفته اند.

در این بخش زنان دیگری چون «لیلا» هم وجود دارند که توسط شوهرش آتش زده شده اند. لیلا که پنجاه سال سن دارد، می گوید: "بعد از یک مشاجره با همسرم خوابیدم که او در خواب بر روی وی نفت ریخته و وی را آتش زده است. لیلا می گوید با حس شدیدی از درد از خواب پریدم."

برادر لیلا می گوید که آنها پایین تنه وی را به آتش کشیدند و حتی حاضر نبودند تا او را به بیمارستان ببرند. وقتی من به نزد وی رسیدم، او در وضعیت بدی بود. من او را به بیمارستان آوردم و با آنکه بیست روز می گذرد، زخم های او بهبود نمی یابند. ما بسیار فقیر هستیم اما من قصد دارم تا یک پرونده قضایی علیه شوهر خواهرم و خانواده اش که بسیار با وی بد رفتاری کرده اند، تشکیل دهم. لیلا پس از گذشت دو ماه رو به بهبودی است ولی نمی خواهد به خانه شوهرش باز گردد.

کارکنان این بخش موارد زیادی از خودسوزی و یا شکنجه زنان با آتش به خاطر دارند. یکی از آنها می گوید: "زنان در افغانستان بدتر از حیوانات درمان می شوند و این تنها دلیلی است که من تصمیم گرفتم در این بخش کار کنم تا به آنها کمک نمایم. هرچند آمارهای بستری خودسوزی در بخش نشان می دهد که این آسیب رو به کاهش است، اما خشونت خانگی در افغانستان هنوز بسیار زیاد است. زنان هنوز خودکشی می کنند، آنها فقط این کار را به شکل های دیگری انجام می دهند. این زنان خاطرات دردناکی از خانه با خود به همراه دارند. برای آنها حتی اگر بهبود یابند، شروع زندگی به معنای شروع جنگی دیگر است."

منبع:

<https://www.theguardian.com/global-development-professionals-network/2017/jun/26/oh-god-please-let-me-die-treating-women-who-have-set-themselves-on-fire-in-afghanistan>

موارد خودسوزی که در واحدهای درمانی سوختگی بیمارستان ها دیده می شوند، نشانه ای از وجود مشکلات بزرگتر دارند که عمده آن رواج خشونت علیه زنان است. فریادهای بی وقفه این زن در محوطه بیمارستان بلند، سخت و پر از درد بود. خدای من لطفا بگذار تا من بمیرم! پرستاران در واکنش به فریادهای او دست بکار شده و به وی مورفین تزریق می کردند. «عایشه» دختری ۱۹ ساله است که دچار ۷۰ درصد سوختگی در ناحیه دست ها، پاها و لگن است. گفته شده است که وی به طور تصادفی دچار سوختگی در اثر انفجار گاز شده است و این یک حادثه بوده است، اما براساس تجربه پزشکی و نوع سوختگی اش می توان گفت که این یک مورد از موارد اقدام به خودکشی است. عمه ۵۵ ساله اش که در کنار دختر جوان ایستاده است، به سرپرستار بخش سوختگی می گوید: او همه چیز دارد، پس دلیلی برای خودکشی وجود ندارد. هیچ یک از اعضای خانواده «عایشه» در ۱۲ روزی که وی در بیمارستان بستری بود، به ملاقات وی نرفته بودند، حتی شوهرش. عایشه می تواند در بیمارستان ۳۵ تخت خوابه که تنها فضای تخصصی برای درمان سوختگی در ولایت هرات هست، بستری شود اما او از ازدواج و سوء استفاده های دیگر به تنگ آمده است.

سرپرستار بیمارستان می گوید: "الگوهای وجود دارند که ما می توانیم نوع سوختگی را در موارد خودسوزی و یا انفجار گاز تشخیص دهیم. در موارد انفجار گاز معمولا شوهران همسر خود را تا بیمارستان همراهی می کنند و همچنین اغلب زخم هایی جدا از موارد سوختگی بر روی بدن مشاهده می شود. او می گوید که امکان زنده ماندن در این وضعیت بسیار کم است، همانطور که «عایشه» هم فوت کرد.

زن دیگری در این بخش بستری است که خانواده اش او را با نام «حبیبه» معرفی می کنند، اما بعدا وقتی که او می تواند صحبت کند اسم واقعی خود را می گوید و اعتراف می کند که سعی داشته است تا خود را بکشد؛ برخلاف آنچه که خانواده اش اعلام کرده بودند. دکتر می گوید که این زن جوان دچار سوختگی ۸۵ درصد است. وی حین گریه های ناشی از درد بسیاری که تحمل می کرد، گفت که خانواده اش او را مجبور به ازدواج با یک مرد کرده اند که با وی بد رفتاری می کرده است. شوهرش دارای محکومیت جنایی بود و در حالی که او در زندان بود، خانواده اش وی را مورد ضرب و شتم قرار داده بودند.

خودکشی به مثابه یک مسأله اجتماعی

نویسنده: سلمان قادری؛ مددکار اجتماعی



خودکشی به معنای پایان دادن به زندگی خود یک پدیده‌ی جهانی و نسبتاً فراگیر است که بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور ما نیز با آن درگیر می‌باشد. این پدیده ارتباط چندانی با نژاد، تحصیلات، جنسیت، شغل، وضعیت طبقاتی و غیره ندارد و در بین همه‌ی این اقشار اتفاق می‌افتد. هر چند که ممکن است میزان آن با توجه به متغیرهای یاد شده کم یا زیاد شود. اخیراً یکی از مددکاران اجتماعی که از امدادگران زلزله‌ی کرمانشاه بوده است، اقدام به خودکشی نموده، علی‌رغم اینکه صاحب فرزند دو ساله‌ای نیز بوده است. این موضوع دردناک است و اصولاً هر حادثه‌ی ناخوشایندی نظیر اتفاق یاد شده و یا مشابه که باعث از بین رفتن یک انسان (فارغ از جنسیت، نژاد، دین و...) در هر اثر هر حادثه‌ای گردد باعث خسران و غمی انبوه در بین همگان می‌شود.

با این وجود، حادثه یاد شده از جهات مختلفی قابل بحث و بررسی بوده و نیازمند واکاوی و تبیین دقیق دلایل بروز آن هستیم. هر چند محدودیت‌های فراوانی وجود دارد، زیرا یک فرد خودکشی کرده و امکان گفتگو و مصاحبه با وی فراهم نیست تا در خصوص انگیزه‌ها و دلایل اقدام به خودکشی اطلاعات دقیق‌تری کسب نماییم. با این وجود، این امر به گونه‌ای نیست که نتوانیم به بررسی این موضوع و دلایل احتمالی آن بپردازیم، زیرا می‌توان از طریق نشانه‌ها، علائم و روندهای موجود در منطقه و کشور به تبیینی اجمالی از آن پرداخت.



بوده و به جای این امر، عمدتاً شاهد بمباران انواع دارو و قرص های روانگردان، مسکن و گسترش اختلالات روانی در سطح جامعه هستیم. افزایش بیکاری و کاهش شدید سطح درآمدها در بین قشر جوان از دیگر اتفاقاتی است که طی دو دهه‌ی اخیر افتاده است.

علاوه بر این وجود حداقل ۱۲ میلیون حاشیه نشین در سطح جامعه و توسعه نیافتگی بسیاری از شهرهای کشور خود به تنهایی می‌تواند زمینه ساز بروز انواع مسائل و آسیب های اجتماعی باشد. همه ی این اتفاقات به صورت مستقیم بر پدیده‌ی احساس تنهایی، انزوا، عدم معنادار بودن زندگی و در نهایت اقدام به خودکشی افراد مخصوصاً در بین جوانان تأثیر بگذارد. واقعیت جامعه‌ی امروزی این است که حتی نهادهای حمایت گر و مسئول نیز به جای اصلاح امور، بهبود و افزایش کیفیت زندگی، به سمت رویکردهای تقلیل گرایانه، روانشناختی و عمدتاً کاسب کارانه گرایش پیدا کرده اند، به عبارت دیگر فرد قربانی و نردبان رسیدن به پول و ثروت شده است. امروزه در جامعه محوریت با پول است و افراد در خدمت رفاه و ثروت هستند. هدف آن نیست که تصویری سیاه از وضعیت جامعه ارائه کنیم. برای اثبات هر یک از ادعاهای فوق کافی است که نگاهی به آمارها و گزارشاتی نماییم که توسط مسئولین ارائه می شود. ما باید نگاه واقع بینانه ای به مسائل اجتماعی داشته باشیم و آن را همانگونه که هست تحلیل کنیم. به نظر می رسد با توجه به چنین شرایطی گسترش خودکشی در بین جوانان در آینده ی نزدیک و رسیدن به بحران چندان دور از انتظار نخواهد بود و هر روز بر دامنه‌ی آن افزوده خواهد شد. شرایط حاکم بر جامعه ی امروز این است که موج آسیب های اجتماعی از کودک آزاری، خشونت های خانگی، اعتیاد، طلاق تا خودکشی رو به تزاید است و این آسیب ها ارتباطی با قشر، شغل و طبقه‌ی خاصی ندارد و در بین همه ی حرفه ها و قشرها وجود دارد. مددکاران اجتماعی نیز قبل از آنکه یک مددکار باشند، یک انسان بوده که دارای احساس، عاطفه، هیجان و عقلانیت هستند؛ لذا شرایط محیطی و اجتماعی بر همه ی صنوف و اقشار مختلف جامعه تأثیر گذاشته و در نهایت ممکن است که آنها را به پایان راه زندگی سوق دهد.

اتفاقی که برای این مددکار اجتماعی افتاد، یک رخداد منحصر به فرد نیست که بتوان با استفاده از دیدگاه فردی به بررسی احتمالی دلایل، انگیزه ها و پیامدهای آن پرداخت؛ بلکه توجه به گزارش های اخیر در خصوص افزایش موارد اقدام به خودکشی و یا خودکشی واقعی در بین نوجوانان و جوانان در سطح جامعه می‌تواند ما را به این سمت و سو سوق دهد که این موضوع نیز در کنار سایر موارد اقدام به خودکشی قرار گرفته و بخشی از یک فرایند اجتماعی است که عمدتاً ریشه های آن را می‌توان در ساختارهای اجتماعی نظیر: وضعیت اقتصادی، آموزشی، میزان دسترسی به امکانات درمانی و بهداشتی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شرایط فرهنگی، خانوادگی و ... قرار داد. براساس بسیاری از گزارش‌هایی که توسط نهادهای رسمی کشور منتشر می‌شود وضعیت اقتصادی در جامعه طی دو دهه‌ی اخیر رو به وخامت گذاشته است. میزان درآمد سرانه به شدت افت پیدا کرده و تعهدات اخلاقی در جامعه رو به زوال نهاده است. شاخص‌های فرهنگی نظیر: صداقت، تعهد، مسئولیت پذیری، از خود گذشتگی، احترام به قوانین و مقررات اجتماعی تضعیف گردیده و سایر شاخص‌ها نظیر: دروغ گویی، فریب کاری، دزدی، دورویی، اعتماد، مشارکت و به طور کلی سرمایه ی اجتماعی به شدت تضعیف شده است. از طرف دیگر ما با نهاد ناکارآمد آموزش و پرورش مواجه ایم که ابتدایی‌ترین مهارت های اجتماعی و زندگی نظیر: کنترل خشم و مدیریت هیجانات، حل مسئله، پرورش و تقویت مهارت‌های عاطفی، روش‌های افزایش اعتماد به نفس و ... را به دانش آموزان و اولیاء آموزش نداده است. تأکید صرف بر یادگیری علوم که چندان در زندگی کاربردی نیست، این نهاد را در دام مافیای عظیم اقتصادی قرار داده است. همچنین، از طرف دیگر شاهد تغییرات بنیادین در وضعیت خانواده در جامعه‌ی ایرانی و شاهد نوعی ظهور نشانه های استحاله ی نهاد خانواده هستیم که این امر نظارت و حمایت‌های خانوادگی را به شدت تضعیف نموده و احتمال ظهور خانواده های جایگزین و فروپاشی کانون نهاد خانواده هسته ای را افزایش می دهد. از طرف دیگر، میزان دسترسی غالب مردم به امکانات درمانی و بهداشتی، مراکز مشاوره و حمایتی ضعیف



طی دوره های مختلف تاریخی نیز بسیاری از روشنفکران، نویسندگان، متخصصین در حرفه های مختلف، بازیگران، سیاستمداران و افراد مشهور نیز اقدام به پایان دادن به زندگی شان نموده اند. به این ترتیب هنگامی که شرایط جامعه به گونه ای باشد که افراد را به این باور برساند که می بایستی به زندگی خود پایان دهند، (فارغ از حرفه و تخصص) دست به چنین اقدامی می زنند.

موضوعی که در پایان ذکر آن لازم به نظر می رسد این است که پایان دادن به زندگی آخرین مرحله از فرایندی است که تفکر بر اساس آن شکل گرفته، پرورش و سپس تقویت گردیده و در نهایت تبدیل به بینش، روش و عمل می گردد. در هر یک از این مراحل، نقش عوامل اجتماعی و ساختاری حایز اهمیت است. هنگامی که پاسخ مناسبی به این سوال داده شود که چرا فرد از تصمیم خود برای پایان دادن به زندگی تا لحظه آخر، منصرف نشده است؟ می توان پاسخ مناسبی برای در نظر گرفتن نقش عوامل اجتماعی قائل بود. واقعیت این است که بسیاری از افراد و سازمان ها در بروز چنین رخدادی مقصر هستند. در جامعه ی ما تا زمانی که خودکشی به عنوان یک پدیده ی فردی و ناشی از اختلالات روانی تعریف شده و عوامل آن را در انگیزه ها و باورهای او جستجو نمایند، مسلماً راه به جایی نخواهیم برد و از پرداختن به علل اساسی این پدیده و در نتیجه اقدامات پیشگیرانه بازخواهیم ماند. در حالیکه خودکشی یک پدیده ی فردی و اختلال روانی نیست و با نگاه روانشناختی و پزشکی قادر به تبیین و ارائه راهکار برای آن نیستیم. خودکشی یک مسئله ی کاملاً اجتماعی بوده و ریشه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و حتی مناسبات سیاسی و حقوقی- قضایی جامعه دارد. به این دلیل ما نیازمند بازتعریف این پدیده در جامعه هستیم و طرح اقدامات اجتماع محور، مدرسه محور و سیاست گذاری های جدی در سطوح مختلف جامعه در این حوزه هستیم.

چکیده ای از سخنان دکتر آذر منصوری در نشست ارزیابی کارنامه جمهوری اسلامی درباره حجاب

نمی شود به زنان بگوییم آنطور که ما می خواهیم لباس بپوشید، اما همچنان با وزیر زن، مشکل داشته باشیم. در تعریف رجل سیاسی چالش داشته باشیم. در شاخص شکاف جنسیتی در جایگاه ۱۴۰ جهان باشیم. شاخص های کشور ما در زمینه آموزش و بهداشت خوب است، اما در شاخص اقتصاد و کسب و کار، جایگاه بسیار پایینی داریم. در میان ۱۴۳ کشور، در شاخص مشارکت سیاسی جایگاه ۱۳۶ را داریم. رضاشاه فکر می کرد با شبیه سازی پوشش زنان به پوشش کشورهای اروپایی، می توانیم به مدرنیسم برسیم. پس از انقلاب هم ما این اشتباه را تکرار کردیم؛ تصور داشتیم با باحجاب کردن زنان، جامعه، اسلامی می شود. پوشش را مسئله مهم حکومت کردیم و این دارد به حاکمیت آسیب می زند. ما در این ۴۰ سال برای زنان چه کار کردیم؟ فرصت های برابر در دسترسی به منابع ایجاد کردیم؟ پوشش، جزو سپهر خصوصی و انسانی زنان است، نمی توانیم مقرر یا خواهش کنیم فلان پوشش را داشته باشید؛ اما نسبت به حقوق شان بی تفاوت باشیم.

نمی توانیم پیرامون کشورمان دیوار بکشیم. فرهنگ ها روی همدیگر تأثیر می گذارند. از سوی دیگر، ما هم راهکار و پاسخ مناسبی در برابر این تغییرات فرهنگی جهانی نداشته ایم. دولت های بعد از انقلاب در زمینه حقوق زنان اقدام کرده اند، اما جواب نداده است؛ چون متناسب با توسعه جامعه و رشد جهانی نبوده است. چه ایراداتی در سیاست ها و رویکردهای مان داشته ایم؟

شورای زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، چه قدر برآمده از مطالبات زنان است؟ در سیاست گذاری های معطوف به زنان، خود زنان نقش چندان ندارند. چالش هایی که پیرامون پوشش زنان شکل گرفته، نمی توانیم از دیگر

مسائل شان جدا بدانیم. صدا و سیما پر شد از فواید حجاب و لزوم پوشش زنان تا مردان حفظ شوند و... فکر می کردیم با گشت ارشاد می توانیم پوشش زنان را مطابق نظرمان شکل بدهیم، اما می بینیم که در برابر این روش ها، دارد مقاومت می شود و شکل مقاومت ها هم تغییر می کند. زنان اعتراض شان را به این رویکردهای قهری، با پوشش شان نشان می دهند. وقتی صورت مسئله دیده نمی شود، چنین پیامدهایی به همراه دارد. رویکرد سلبی، گذراست و برای همیشه تأثیرگذار نیست. مسائل زنان، متأسفانه هنوز مسئله احزاب ما نشده است تا بحث جدی ای را در دستور کارشان قرار دهند و رویکردشان را نسبت به این مسائل مشخص کنند. برای همین احزاب زنانه شکل می گیرد. مانیفست اصلاح طلبان در زمینه مسایل زنان کامل نیست. نقد جدی به این جریان وارد است. ما هنوز با تناقض میان سنت و مدرنیسم رو به رو هستیم. کارشناسان و فقها و علما و اندیشمندان باید به این تناقضات پاسخ هایی متناسب با واقعیات جامعه بدهند. دولت، مجلس، رسانه ها، صدا و سیما باید توجه کنند به این موضوع و از همه نگاه ها دعوت کنند تا به یک سیاست گذاری واحد برسیم. باب گفت و گوها را باید باز کنیم. امام خمینی اول انقلاب گفتند زنان در مقدرات اساسی مملکت باید حضور داشته باشند. مسائل زنان اگر حل نشوند، زمینه ای برای بحران های آینده می توانند باشند، بنابراین باید سیاست های مان را بازنگری کنیم. سیاست ها باید برآیند مطالبات جامعه مان و به ویژه مطالبات زنان باشد؛ آن هنگام می توانیم نتایج بهتری بگیریم.

منبع: کانال خبری زنان ایران

لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق

مرتضی رجائی خراسانی / پژوهشگر علوم
سیاسی و اقتصادی

بر اساس آمار سازمان اوپک، عراق بعد از عربستان بیشترین تولید نفت را در بین کشورهای اوپک دارد. عربستان، عراق و ایران به ترتیب ۴۹/۱۰، ۴۵/۴ و ۶۵/۳ میلیون بشکه در روز نفت تولید می کنند. عراق از نظر ذخائر نفتی در رتبه چهارم در بین کشورهای اوپک قرار دارد. در صورتی که قدرت نفتی ایران و عراق مجموع شوند می توانند از نظر ظرفیت تولید و ذخائر نفتی با عربستان رقابت کنند.

میدان های نفتی عراق در جنوب آن کشور در اطراف شهر بصره و در بعضی مناطق شمالی آن کشور واقع می باشند که این مناطق تحت نفوذ ایران می باشند. البته، ایران به هیچ عنوان احتیاج ندارد کنترل فیزیکی این میادین را در اختیار داشته باشد یا درآمد آن را دریافت کند. برای ما کفایت که بر استراتژی های نفتی عراق تأثیرگذار باشیم تا بتوانیم با ترکیب قدرت دو کشور بر ساختار اوپک تأثیر گذاشته و در بازار جهانی نفت به یک عامل تعیین کننده تبدیل شویم.



این لایحه در جلسه ۲۸/۳/۹۶ هیأت وزیران تصویب و در ۲۰/۴/۹۶ جهت طی تشریفات قانونی به مجلس تقدیم شده است. هدف از این لایحه ارتقاء و تحکیم همکاریهای اقتصادی و تأمین منافع دو دولت می باشد.

مقامات عراقی هزینه بازسازی جنگ چهار ساله با داعش را حدود صد میلیارد دلار اعلام کرده اند. دولت عراق برای ایجاد رقابت، از همه کشورهای جهان دعوت کرده است که جهت سرمایه گذاری در این کشور مشارکت کنند. کشورهای آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی در این امر پیش قدم شده اند. ناگفته نماند این کشورها علاوه بر منافع اقتصادی به دلیل انگیزه های سیاسی امنیتی استراتژیک نیز تلاش خواهند کرد در اقتصاد عراق ریشه بدوانند. هرچند بعد از تسلط داعش بر عراق، ایران اولین کشوری بود که به یاری این کشور شتافت، اما به نظر می رسد در عرصه رقابتی بازسازی این کشور امتیازی به ایران داده نشده است.

مراسم کلنگ زنی ساخت مدرسه در مناطق محروم اصفهان به همت دکتر حسن کامران و بنیاد برکت

دکتر حسن کامران نماینده محترم مجلس شورای اسلامی در مراسم کلنگ زنی ساخت مدارس در مناطق محروم گفتند که عده ای در مجلس کار چاق کن پیمانکاران و سرمایه داران هستند و بنده کار چاق کن مستمندان و بی بضاعتان. ایشان ضمن ارائه پیشنهادات مطرح شده در کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی اعلام نمود: عده ای در مجلس کار چاق کن پیمانکاران و سرمایه داران هستند و بنده کار چاق کن مستمندان و بی بضاعتان هستم و در همین خصوص با پیگیری و رایزنی با مسئولان بنیاد برکت امتیاز ساخت پنج مدرسه در حوزه انتخابیه شهرستان اصفهان در مناطق محروم را دریافت نموده ام که سه مدرسه آن شروع به ساخت نموده اند و دو منطقه دیگر نیز باقی مانده است که به لطف خدا در هفته های آتی انجام خواهند شد. آینده این کشور به دستان و نگاه های روشنفکرانه این جوانان است و باید از هم اکنون زمینه رشد فرهنگی و آموزشی این عزیزان را فراهم نماییم.

دکتر کامران در حاشیه این مراسم اظهار داشت که بنده شدیداً با گرانی بنزین در مجلس مخالفت نموده ام و پیشنهاد داده ام تا از محل حذف یارانه دهک های پر درآمد تأمین شود و همچنین با عدم افزایش حقوق بالای شش میلیون تومان، مابه التفاوت این مبلغ برای بازنشستگان در نظر گرفته شود. ایشان همچنین گفتند که با همت نمایندگان مجلس هزینه های آب، برق و گاز مدارس نیز رایگان شد که این نیز در نوبه خود بار سنگینی بود که از روی شانه مردم و مدارس برداشته شده است. همچنین ایشان در جواب یکی از حاضرین مبنی بر سخت گیری بازرسان بیمه قالیبافی عنوان نمود که متأسفانه در این زمینه بارها از طرف مردم شکایات و گلایه هایی مطرح شده است که بارها با مسئولان استانی و کشوری صحبت شده و انشالله در آینده ای نزدیک برای این مشکل تدابیر خوبی اتخاذ خواهد شد زیرا برخی از بانوان جوانی و عمر خود را در پشت دار قالی سپری نموده اند و اکنون دیگر توانایی بافت قالی را ندارد و بیمه اجبار می کند که قالی داشته باشند در غیر این صورت بیمه آنها قطع خواهد شد که بنده علی رغم مخالفت های برخی از نمایندگان به جد پیگیر این موضوع بوده و تا حصول نتیجه کوتاه نخواهم آمد.

شرحی بر ماجرای خیابان

محمد شفیعی مقدم، پژوهشگر علوم سیاسی

زمینه معیشت و رفاه عمومی دولت پیشین را برای اعتراض شایسته تر می دانند. پس شروع اعتراضات زمستان ۹۶ را چندان نمی توان ناشی از کنش و اقدام خود محورانه مردمی دانست.

البته از آنجایی که اشکالات و ضعف های جامعه فقط در اقتصاد و معیشت و عملکرد دولت خلاصه نمی شود، فرارفتن از مطالبات اقتصادی و بالا بردن سقف خواسته ها و نیز هدف قرار دادن نهادهای دیگری غیر از دولت و سر داده شدن شعارهای ساختارشکنانه نباید برای آغاز گران این تجمعات چندان شگفت آور باشد.

شکاف های سیاسی پرشمار هم که طی ماه ها و سال های اخیر تشدید شده و هر از گاهی گروهی بیرق اپوزیسیون بلند می کند و یا تحرکات و سازماندهی های پاره ای گروهها و دولت های پیرامونی در بهره گیری از ظرفیت اقوام در حاشیه مانده ایرانی هم خود در تناور کردن شجره نارضایتی و نافرمانی عمومی عاملیتی مؤثر دارند. در چنین وضعی فراموش نباید کرد حساسیت های بین المللی و تنش های منطقه ای علیه ایران چه نگرانی های عمیقی را در حوزه امنیت ملی دامن می زند.

البته این به معنای مخالفت با فراهم شدن فضا و بستر مناسب برای تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز که خود سهمی در رشد فرهنگ سیاسی و مدنی جامعه خواهد داشت نیست، اما پیش از آن وجود حداقلی از وفاق ملی و انسجام درونی ضرورت خواهد داشت. پذیرش مشارکت جویی متوازن اقشار و اقوام گوناگون و نیز عادلانه تر شدن نظام توزیع ثروت ها نیز به همان اندازه ضروری است. بی اعتنایی به چنین مواردی می تواند پشیمانی همه طرف ها را رقم بزند.

سردرگمی و یا شاید حتی بدتر از آن بدبینی و بیم درباره آینده ای که از قبل نارسایی ها و ناکارکردی های امروز مانند اهریمنی زشت سیما و بد هیبت سر بر خواهد آورد. آن اندازه دلهره آور بوده که محرکی قوی برای به خیابان کشاندن نارضایتی های فروخورده در نخستین روزهای زمستان ۹۶ باشد. مشکلات زیست محیطی پر تعداد از آلودگی هوا و کم آبی تا زلزله های پی در پی اخیر و یا مسأله اشتغال و تهی دستی فراگیر در جامعه وقتی با آگاهی از فسادهای رخداده در نظام اداری و توزیع ناعادلانه ثروت همراه شده باشد، دور از انتظار نیست که احساس تحقیر و ستیز را در لایه های گوناگون جامعه موجب شود.

اما علی رغم اینکه وجود این نارضایتی های انباشته شده حکایت از وجود زمینه اجتماعی مساعد برای اعتراضات اخیر دارد، نباید وجود اراده جناح هایی از مخالفان دولت برای به راه انداختن و هدایت اولیه این تجمعات خیابانی را نادیده گرفت. مراجعه به آمارهای رسمی اقتصادی و مقایسه نرخ اشتغال و تورم در دولت گذشته و فعلی همزمان که روشن کننده است، ابهام آفرین هم می تواند باشد. افزایش بیش از چهارصد درصدی قیمت ها و رشد تنها دو و نیم درصدی اشتغال در دولت پیشین که البته با وجود درآمد های نفتی سرشار حاصل شده بود فضای مناسبتری برای اعتراضات خیابانی در زمینه معیشت و اقتصاد را می توانست فراهم کند، ولی چنین نشد.

در دولت کنونی که آمارهای رسمی نشان از بهبود شاخص های اقتصادی دارد اما گروه هایی از ناراضیان خیابان ها را پر کردند. وجود حجم بالای نارسایی ها و کمبود ها را البته که نباید انکار کرد اما چگونه می توان این مسأله را درک کرد که مردمی که در دولت گذشته در اعتراض به گرانی و تورم به خیابان نیامدند در این دوره تجمعاتی سراسری را دامن زده اند. پذیرفتنی است که سیاست های اقتصادی کنونی رضایت عمومی را جلب نکرده، اما آمار ها و شاخص ها در

چرخه بی اعتباری و فساد

دکتر علی اکبر گرجی آزندریانی، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

دولت و شهروندان شکل می گیرد تا حداقل برخی از مصادیق فساد (آشناپروری، رشوه دهی خرد و پارتی بازی) به راحتی پذیرفته شود. این بی قاعدگی در مناسبات دولت و شهروند را به طنز قاعده هول می نامیم. بر این اساس، در نظام اداری فاسد هیچ کاری حتی تقاضاهای قانونی کوچک به سادگی و بدون رابطه انجام نمی شود. از این رو، در چنین اداره ای برای انجام یک عمل اداری ساده مانند گرفتن یک گواهی یا حتی رونوشت اوراق خود شهروند لازم می آید تا شخص ذی نفوذی واسطه شود و حمایت خود را از شهروند گرفتار اعلام نماید.

یکی از بهترین راهکارهای حذف چرخه بی اعتباری رفتارهای به قاعده است. مدیریت و حکمرانی مبتنی بر قواعد عقلانی و تجربی می تواند به تدریج آب رفته را به جوی اقتدار و سیاست بازگرداند. به عنوان مثال، در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و انواع فسادهای اداری و مالی در کشورهای توسعه یافته کامیابی های درخور توجهی به دست آمده است. اگر در این راه جدی هستیم چرا از تجارب این کشورها بهره نمی گیریم؟

رفتار قاعده مند زمامداران حتی اگر توفیق چشمگیری هم نداشته باشد، به تدریج حسن ظن شهروندان را به آنها و نظام مدیریتی برخواهد انگیخت. همین حسن ظن می تواند به مرور زمان ابزارهای کارآمدسازی نظام اداری را در اختیار مقامات ذی صلاح قرار دهد. امنیت قضایی هم در چنین فضاهایی قابل تحقق است. افزون بر این، بروز فساد در اداره و سیاست نشانه بروز فساد در بطن جامعه نیز هست. حتی شاید بتوان نوعی رابطه علت و معلولی بین این دو قائل شد. پس می توان گفت، مبارزه با فساد از اهمیت حیاتی برای پایداری نظام سیاسی و حیات اجتماعی برخوردار است. فساد مانند موربانه ای است که به تدریج و در گذار روزگاران بنیان های ساختار اداری و سیاسی را متزلزل کرده و آن را به نابودی می کشاند. به جرأت می توان گفت، زوال بسیاری از دولت ها در طول تاریخ معلول ریشه زدن اختاپوس فساد در تاروپود نظام حکمرانی بوده است.

دولت و نظام حکمرانی تکلیف قراردادی و اخلاقی دارند تا در مسیر ایجاد زندگی شایسته و جامعه سالم گام بردارند. گرچه، در نظام های مردم سالار تعریف استانداردهای زندگی شایسته در صلاحیت انحصاری دولت ها نیست و در این زمینه هم مشارکت مردم باید جدی گرفته شود، اما در عمل نخستین مروج فضیلت ها و رذیلت ها خود دولت ها هستند. نهادهای اقتدار می توانند با کارکردهای درست، عملاً به ترویج ارزش ها همت گمارند، یا به عکس با عملکرد نادرست (غیرانسانی، غیرعقلایی، قاعده ستیز) به ترویج پلشتی ها و ناراستی ها مبادرت کنند. بروز فساد اداری، مالی، سیاسی و... در یک نهاد اداری یا سیاسی و اقتصادی نشانگر حاد شدن بیماری های سیستمی در آن است. نظام اداری معیوب هم با شعارهای دهان پرکن، احساسات و ژست های ایدئولوژیک اصلاح نخواهد شد. عقلانیت، پشتکار، وفاداری، تجربه گرایی و قانونمداری کلید حل این معماست.

در یک تعریف کلی می توان فساد را عبارت از کاربست منابع قانونی در جهت غیرقانونی دانست. فساد عبارت است از بهره گیری از اقتدار عمومی و امتیازات ناشی از آن در راستای تأمین منافع خصوصی، خانوادگی، گروهی و حزبی. فساد علامت روشنی است از فقدان کارآمدی و کارکرد مؤثر در سازوکارهای رسمی. ناگفته پیداست که بروز چنین شرایطی در بلندمدت به ایجاد وضعیتی منتهی می شود که من تمایل دارم آن را بحران اعتبار نامگذاری کنم. ناکارآمدی و فساد رفته رفته اعتبار نهادهای رسمی را خواهد زدود. در این حالت اکثریت جامعه به گفته ها و کرده های نهادها و مقامات عمومی اعتماد نمی کنند و همین بی اعتمادی به چرخه بی اعتباری و ناکارآمدی دامن خواهد زد.

از این رو، دلسوزان یک نظام حکمرانی باید به سختی مراقب تولید چرخه های بی اعتباری و ناکارآمدی باشند زیرا ایجاد این چرخه در گذار زمان بنیان های مشروعیتی دولت را متزلزل می کند و زمینه را برای تولید بحران های بزرگتر مهیا می کند. در جامعه ای که چرخه بی اعتباری ایجاد می شود روحیه فسادستیزی هم به تدریج از بین می رود و برخلاف شعارهای رسمی گویی قرارداد نانوشته ای بین



حلقه گمشده در سه گانه‌ی مردم، بحران و حاکمیت

دکتر سید حسین حسینی نورزاد - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اعتماد، اطمینان و آرامش از لوازم اصلی مدیریت در شرایط بحرانی است. اعتماد مردم به حاکمیت، اطمینان حاکمیت به مردم و آرامش در آحاد مردم و مدیران. زمانی می‌توانیم به مدیریت بحران فکر کنیم که نه تنها بدنه مدیریت کشور بلکه آحاد جامعه از زندگی و مدیریت در شرایط عادی نمره خوبی گرفته باشند. تعارف را کنار بگذاریم. ما که با سوء مدیریت و بد رفتاری در شرایط عادی با دست خودمان بحران می‌سازیم (مثل همین بحران آلودگی هوا) چطور می‌خواهیم شرایط بحرانی را که رویکردی چابک، یکپارچه و همه‌جانبه می‌طلبد مدیریت کنیم؟ با این اوضاع، «مدیریت بحران» بیشتر شبیه یک طنز است. پس چه باید کرد؟ واقعا راهی جز استفاده از درس آموخته‌های جوامع دیگر، مشاوره در امور با متخصصین (داخلی و بین‌المللی) و مهم‌تر از همه عمل به پند استاد بزرگوار آقای دکتر شفیعی کدکنی نداریم که «هر کس از آنجا که هست یک گام فراتر آید»، اگر موافق نیستید؛ خودتان را برای روزها و شب‌های سخت آماده کنید.

آشکار ساز واقعی خشونت جنسی

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

پژوهش های جدید نشان می دهند که در آینده نزدیک بررسی از نظر روانشناختی، ارائه مشاوره مؤثر و قضاوت در دادگاه ها درباره خشونت های جنسی بر علیه زنان، بدون در نظر گرفتن کار مغز ممکن نیست. طبق تعریف جدید، ضربه های عاطفی نتیجه حوادثی است که موجب چنان ترس، وحشت یا هراس غیرقابل کنترلی در مغز قربانی شود که مسیر و نحوه زندگی اش در آینده را تحت تأثیر قرار دهد. طبق مطالعات جدید، پیگیری اثرات ضربه های عاطفی، تنها از طریق شواهد رفتاری و گفتاری و حافظه ای قربانی خشونت جنسی ممکن نیست، بلکه رد یابی اثرات ذهنی با بررسی تغییرات مدارهای مغزی است که چون انگشت و دی. ان. ا. می تواند دارای اعتبار در مشاوره روانی و پیگیری حقوقی و قانونی باشد. معمولاً آن چه در روانشناسی متداول و در دادگاه ها مورد استناد قرار می گیرد، بیشتر از همه براساس شواهد رفتاری و اظهارات قربانی درباره جزئیات خشونت جنسی مورد ادعا قرار دارد، ولی بررسی های علمی مغزپژوهی آشکار می کند که در هنگام غلبه ترس و وحشت ناشی از خشونت جنسی، مناطق اختیار و اراده ساز مغز قربانی خشونت از کار می افتند. بدن از مغز منفصل می شود. عدم امکان تحرک و تسلیم شدن اجباری پیش می آید، حتی زبان برای ادای اعتراض کلامی نیز در قفا قفل می شود. همه اینها ممکن است از دید یک سوم شخص ناظر مغز ناشناس، نشانه تمکین و رضای زن قربانی تجاوز جنسی تلقی شود. چنین دید ظاهرینی که به عمق فاجعه در پستوی مغز قربانی توجه ندارد، دچار اشتباه، سوء تعبیر و

نتیجه گیری غلط در پشت میز مشاوره روانشناسی یا صحنه دادگاه می شود. از طرف دیگر، در ابتدای وقوع تجاوز جنسی، در مغز زن قربانی آژیر چراغ چشمک زن خطر ناشی از ترس و وحشت، چنان سازمان زنجیره زمانی یاد سپاری واقعه را بر هم می ریزد که بخاطر آوری جزئیات حادثه غیرممکن می شود. در چنین شرایطی، سوپی از ترسحات مغزی و هورمونی راه می افتد و ارتباطات کارکردی مناطق زیرین مغز با قشر پیش پیشانی گسیخته می شود. تکه پاره هایی به خاطر مانده از تسلسل و توالی زمانی واقعه، فرد قربانی را برای راست و ریست کردن و پر کردن شکاف های روایت نامعلوم به او، دچار تناقض گویی آشکار کند. بدیهی است که این امر می تواند روانشناس، مشاور و یا قاضی دادگاه را به این تصور وادارد که شخص قربانی در اظهارات خود صادق نیست و برای اثبات ادعای پوچ خود، به طور عمد یا غیر عمد، متوسل به دروغگویی شده است. در حالیکه این تناقض و پراکنده گویی شخص قربانی خشونت جنسی می تواند ناشی از در دست نبودن جزئیات واقعه ای باشد که بخاطر شدت ضربه زندگی عاطفی ناشی از ترس و وحشت، اجازه و فرصت بخاطر سپاری در مغز پیدا نکرده باشد. بدیهی است که در این میان، شرایط سنی، تفاوت های فردی، اقلیمی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می تواند در تعبیر و تفسیر حقانیت و درجه خشونت متجاوزانه و ضربه عاطفی در مغز زن مدعی، تأثیر گذار و تعیین کننده باشد. این امر مهم نیز در آینده می تواند از طریق بررسی بی واسطه کارکرد مغز در شرایط خاص قبل و بعد از حادثه قابل پیگیری شود.

زنان علیه زنان

دکتر شهناز قلی زاده

به طوری که در برخی از مواقع زنان با این شیوه‌ها و با ضربه‌های عمیق‌تر از شیوه‌های مردانه هم جنسان خود را در شرایط اجتماعی و اقتصادی بسیار نامساعدی قرار می‌دهند. این نوع از خشونت با شدتی کمتر و بیشتر در تمامی جوامع رایج بوده و تن‌ها مختص جامعه ایران نیست، اما به عنوان یک زن ایرانی در این مقاله بیشتر روی سخنم با زنان کشورم است، زنانی که با رعایت و بکارگیری برخی تمهیدات می‌توانند از رنج و اندوه هم جنس خود بکاهند.

خشونت زنان علیه زنان، مصداق‌های زیادی دارد که در ذیل به برخی از آن به صورت گذرا اشاره می‌شود:

خشونت زنان علیه زنان در خانواده، خشونت زنان علیه زنان زمانی که در رابطه‌ای، همزمان همسر و معشوقه یک مرد هستند، در این نوع از خشونت زنان با استفاده از هر نوع ابزار مخربی به جنگ هم می‌روند و از هیچ نوعی توهین، آسیب و تحقیری نسبت به هم کوتاهی نمی‌کنند. کافی است سری به دادگاه‌های خانواده بزنیم تا با شمار زیادی از این مورد خشونت مواجه شویم. شنیدن قصه دردناک زندگی زنی که با عشقی پرشور شروع شده، با سختی‌های زیادی ادامه داشته و حال که به میان‌سالی رسیده است، خیلی راحت با زنی جوانتر و زیباتر عوض شده‌است. زن جوان و رقیب بی‌رحمی که از این که توانسته زن بیچاره را که گاهی هم سن مادر اوست از میدان بدر کند، بسیار خشنود است و به خود می‌بالد. زن بیچاره و ناتوانی که سال‌های زیادی در کنار شوهرش با حمایت از او و رؤیاهایش مسیر سخت زندگی را طی کرده‌است و حالا نمی‌داند چگونه باید رقیب جوان و زیبایش را شکست دهد. زن درمانده‌ای که زندگی‌اش با ورود زن جوانتر به ویرانی کشیده شده‌است و ترکش‌های مرگبار

بارها از اعمال انواع خشونت علیه زنان شنیده و خوانده ایم. زنانی که به شیوه‌های مختلف فیزیکی، کلامی، روانی، اقتصادی و جنسی، قربانی مناسبات فضای مردسالارانه جوامع خود می‌شوند. خشونت علیه زنان در تمام طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی یافت می‌شود، گرچه مردان نیز ممکن است مورد سوء رفتار و خشونت زنان قرار گیرند؛ اما بخش عمده انواع خشونت، از سوی مردان علیه دختران و زنان اعمال می‌شود. برخی از زنان در زندگی زناشویی خود به عنوان یک نیروی کار بی‌جیره و موجب و بی آن که امنیت اقتصادی داشته باشند، وقتی با خشونت همسرشان مواجه می‌شوند، از ترس این که اگر او را ترک کنند هیچ گونه حمایت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نخواهند داشت، به خود می‌قبولانند که او همین است و تا پایان عمر کاملاً وابسته به مرد خانواده می‌سازند و می‌سوزند. در اکثر کشورهای جهان، خشونت علیه زنان یکی از مشکلات حاد اجتماعی است به طوری که سازمان ملل متحد روز ۲۵ نوامبر را روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرده است. اما پدیده خشونت تنها به خشونت مردان علیه زنان خلاصه نمی‌شود و روی دیگری هم دارد و آن اینکه گاهی این خود زنان هستند که در برابر خودشان قرار می‌گیرند، موضوعی که به عنوان یکی از زوایای پنهان خشونت اگر پر اهمیت‌تر از خشونت‌های مردانه نباشد کمتر از آن نیست. متأسفانه در جامعه امروز ایران، خشونت زنان علیه زنان مقوله‌ای بسیار برجسته و قابل توجه است که با شیوه‌های مختلفی مثل: تحقیر، صدمات فیزیکی، خیانت، ایجاد مانع برای پیشرفت، برهم زدن چارچوب خانوادگی و اشکال مختلف دیگری خود نمایی می‌کند.



احترام می‌گذارند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که به ترافیک ملحق شوند و خط خود را برای سبقت و یا دور زدن تغییر دهند، اما در برخورد با رانندگان زن در چنین مواقعی، به شدت عصبانی می‌شوند و با استفاده از کلمات رکیک، فریاد، بوق و حرکات سر و دست خشونت و نارضایتی خود را نشان می‌دهند.

و اما ما زن‌ها چگونه می‌توانیم این چرخه شوم خشونت را که ما را به سوی رفتارهای خشونت آمیز و جابرانه سوق می‌دهد متوقف کنیم؟

مبارزه با خشونت علیه زنان مستلزم اراده سیاسی دولت‌ها، همکاری سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی و یکسری اقدامات قانونی و حقوقی در کلیه بخش‌هاست، اما علاوه بر آن به این‌که زنان هم چگونه می‌توانند بر محیط اطرافشان تأثیر بگذارند تا بتوانند از شدت خشونت‌های تحمیل شده بر خود بکاهند، مربوط می‌شود.

ما زنان بایستی خودمان عامل تغییری باشیم که در دنیا جستجویش می‌کنیم، چرا که هیچ تغییری در جهان واقع نمی‌شود مگر این‌که ما خود عامل آن تغییر باشیم. بیاموزیم که فقط ظاهرمان نیست که به ما ارزش می‌دهد، بلکه هزاران مسائل انسانی و اخلاقی است که انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد. بیاموزیم که به جای رقابت با یکدیگر بر استعدادها و ویژگی‌های خاص و منحصر به فردمان متمرکز شویم، چرا که ما بیش از جسم‌مان هستیم و هر یک از ما استعدادها و مهارت‌های منحصر به فردی داریم که اگر شکوفا شود می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی بر روی تربیت فرزندان جامعه داشته باشد.

با امید به اینکه مردان و زنان بتوانند در کنار هم تغییر و دگرگونی را ایجاد کنند تا نسل‌های آینده یک چنین سطحی از تراژدی خشونت را که ما به طور روزمره با آن سر و کار داریم تجربه نکنند.

زن در مانده‌ای که زندگی اش با ورود زن جواتر به ویرانی کشیده شده‌است و ترکش‌های مرگبار آن علاوه بر او، زمینه مشکلاتی از قبیل: اعتیاد، خودکشی، ترک از تحصیل، فرار از خانه، پرخاشگری و افسردگی را برای کودکانش فراهم کرده است.

خشونت زنان علیه زنان در محیط‌های کاری و جامعه، بارها در محیط‌های کاری مشاهده شده‌است که برخی از زنان، از جذابیت‌های فیزیکی خود، به عنوان ابزاری حرفه‌ای برای پیشرفت شغلی استفاده می‌کنند، این قبیل زنان با پوشیدن لباس‌های نامتعارف و کفش‌های پاشنه بلند، خودشان را در معرض نمایش می‌گذارند و سعی می‌کنند با استفاده از جذابیت‌های جنسی خود به عنوان یکی از ارزش‌های اجتماعی، از زنان دیگر همکار خود که گاهی از توانمندی‌ها و تجربه کاری بیشتری برخوردارند پیشی بگیرند. این نمونه از زنان از هم صحبتی با زنان همکار خود پرهیز می‌کنند و در برخورد با آن‌ها از نگاهی سرد، بی‌تفاوت و بی‌توجه برخوردارند، اما برعکس با لبخندی دلنشین، کلامی زیبا و رفتاری مهربانانه، همواره همکاران مرد خود را تحسین، تمجید و مورد خطاب قرار می‌دهند. آن‌ها الگوی خاصی از زن بودن را به لحاظ فیزیکی در جامعه و محیط کار به نمایش می‌گذارند و جذابیت و دوست‌داشتنی بودن یک زن را، با معیارهای پوچ و بی اساس فیزیکی القاء می‌کنند و توقعی را ایجاد می‌کنند که اگر زنی بخواهد عشق و وفاداری شوهرش را داشته باشد باید فلان شکل و فلان تیپ باشد. منبع اعتماد به نفس کاذب این قبیل زنان صرفاً ظاهرشان است و همواره تلاش می‌کنند با حرکات نمایشی مورد توجه جنس مخالف خود قرار گیرند و هیچ‌گاه نمی‌توانند دوستی در میان زنان همکار خود پیدا کنند و همواره مورد نفرت زنان دیگر قرار می‌گیرند و فکر می‌کنند به خاطر جذابیت‌های فیزیکی آن‌هاست که زنان از آن‌ها متنفر هستند. این نوع از زنان در هنگام رانندگی نیز به دیگر رانندگان مرد

اختلالات جنسی در سالمندان

دکتر مه‌ری نجات، متخصص اعصاب و روان، پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی و مدرس دانشگاه تهران

می‌توان نام برد. در سنین بالاتر به خصوص بعد از ۶۵ سالگی آلزایمر و فراموشی و همچنین داروهای که در این دوران برای فشار خون و بیماری قلبی و آرتروز و دیابت و غیره استفاده می‌شوند هم تشدید کننده اختلالات جنسی هستند.

اگر فرد سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی هم استفاده کند و در روابط زناشویی هم مشکل داشته باشد یا با فرزندان خود و مسائل اقتصادی و شغلی و محیطی هم در حد متوسط تا بالا در کنار بقیه علل قرار بگیرند، مشکلات جنسی چندین برابر خواهد شد؛ ولی آیا برای پیشگیری و درمان آن راه حلی وجود دارد و آیا میتوان کیفیت زندگی را بهبود بخشید؟ در علوم جدید «سکچوال مدیسین» یکی از موضوعات بسیار مهم مطرح شده پیشگیری و درمان اختلالات جنسی در میانسالی و سالمندی است. متخصصین این رشته با آموزش مهارت‌های جنسی و بررسی افراد از نظر بیماری‌ها و هورمون‌ها و اصلاح داروهای مورد نیاز قادر خواهند بود از این اختلالات پیشگیری کنند و یا آن‌ها را درمان نمایند. باید بدانیم که مهمترین موضوع داشتن روش زندگی سالم و صحیح است. گاهی ما به اشتباه تصور می‌کنیم که روش زندگی درستی داریم، ولی در واقع گاهی در حال صدمه زدن به خودمان هستیم و در آخر اینکه گرفتن آموزش و مشاوره تخصصی با مراقبت پزشکی صحیح گامی بلند در جهت سلامتی در این دوره سنی می‌باشد.

از مسائل مهم و قابل توجه در دوران میانسالی و سالمندی ارتباط جنسی است. میانسال و سالمند به دو دسته تقسیم می‌شوند: افرادی که دارای همسر می‌باشند و افرادی که بدون همسر هستند یا روابط خوبی با همسر خود ندارند. همچنین، کسانی که دارای بیماری‌های مزمن هستند و وارد سن میانسالی و سالمندی شده‌اند و افرادی که اخیراً دچار بیماری شده‌اند. اکثر این افراد دچار بیماری‌های خلقی مانند: افسردگی هستند که علائم آن به صورت دردهای مزمن بدنی مشاهده نمی‌شود. عمده‌ی این علائم جسمی و ناشی از بیماری افسردگی با بیماری‌های این سنین اشتباه گرفته می‌شود. از مسائل مهمی که کمتر پزشک و یا حتی خود افراد به آن توجه می‌کنند، مسائل جنسی مربوط به این سنین است که اغلب افراد بیان آن را شرم‌آور و دور از انتظار می‌دانند. جالب است بدانید که اختلال جنسی خود باعث تشدید علائم بیماری و عدم لذت بردن از رابطه و پایین آمدن کیفیت زندگی می‌شود. عوامل مؤثر بر مسائل جنسی در این رده سنی علاوه بر خود سن، به خصوص بعد از سن ۵۱ سالگی؛ ابتدای ابتلاء به بیماری قند است که هم مستقیم روی عروق، حس و اعصاب اندام تناسلی تأثیرگذار است و هم غیرمستقیم بر روی روابط جنسی با ایجاد افسردگی و اضطراب و درد و ناراحتی مؤثر است. از بیماری‌های دیگر فشار خون، بیماری‌های قلب و تیروئید و پروستات و ادراری و غلظت یا کم خونی که چربی بالا و وزن بالا و آرتروز و بیماری‌های استخوان و مفاصل و ضعف عضلات کمر و لگن

چالش‌هایی که زنان سرپرست خانوار با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند

نیالا وفائیان | فعال اجتماعی

در این مبحث قصد دارم به گوشه‌ای از مشکلات و چالش‌های زنان سرپرست خانوار بپردازم. زنانی که به دلایل مختلفی همسرانشان را از دست می‌دهند یا از همسرانشان جدا می‌شوند و به یکباره با دنیای دیگری رو به رو می‌شوند. این زنان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که در اثر عواملی چون فوت همسر، طلاق، اعتیاد و یا از کارافتادگی همسر و رها شدن توسط مردان مجبور به اداره‌ی خانواده به تنهایی هستند. از جمله مشکلات این زنان می‌توان به مشکل سرپناه، مشکلات مالی، محدودیت‌های اجتماعی، ازدواج مجدد و مشکلات روحی و تنهایی اشاره کرد. البته، عمده‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکلات اقتصادی، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به ایشان و نگرانی درباره‌ی آینده خانواده و فرزندان است.

فقر و تنگدستی، نداشتن حامی و سرپرست، گاهی نداشتن شغل و درآمد، دست به دست هم داده و این زنان را نسبت به بیماری‌های روحی از جمله افسردگی آسیب‌پذیر می‌کند. از طرفی گاهی فرزندان‌شان نیز به دلیل عدم حضور همه‌جانبه‌ی سرپرست دچار مشکلات روحی و اجتماعی متعددی می‌شوند. پدیده‌ی زنان سرپرست خانواده در گذشته نیز وجود داشته است، اما در سالهای اخیر به دلیل افزایش آمار اعتیاد، طلاق و مرگ و میر، روند رو به رشدی داشته است. واحد انفورماتیک دفتر امور مشارکت زنان در سال ۹۵ تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران را ۱۱۲۰۳۷۱ نفر اعلام کرده است. با توجه به مشکلات گفته شده که فقط گوشه‌ای از مسائل زنان سرپرست خانوار است، لازم است زمینه‌های افزایش سرمایه و اشتغالزایی برای این زنان را در جهت ارتقای وضعیت اقتصادی، بهداشت روانی و اعتماد به نفس ایشان فراهم آورده شود. همچنین، افزایش مشارکت‌های مردمی، جلب همکاری و مساعدت سازمان‌ها، نهادهای دولتی و خصوصی هم می‌تواند راه حل مناسبی برای کم کردن مسائل زنان سرپرست خانوار باشد. از طرفی رسانه‌ها هم باید بیشتر به معضلات این قشر توجه نشان دهند. امیدوارم با ایجاد راه‌حل‌هایی مناسب گامی هرچند کوچک در جهت رفع نیازها و مشکلات زنان سرپرست خانوار برداشته شود.

سانچی؛

نفت‌کشِ خاموشِ ایرانی

دکتر سودمند، متخصص روانشناسی

بخشی مهمی از اندوه ما بدلیل نزدیکی جسمانی و روانشناختی‌مان (از طریق مشاهده تصاویر هولناک و لحظه به لحظه ماجرا) به سانحه بود، اما آتش گرفتن نفت‌کش «سانچی» نتوانست به میزان ماجرای پلاسکو جامعه ما را درگیر کند. این نفتکش ۳۰ نفر از خدمه، دانشجویان و مهندسان کشورمان را همزمان با آب و آتش نابود کرد. مثل همان آتش‌نشان‌ها، اینان نیز سرمایه عظیمی برای کشور بودند و به همان میزان عزیزانی داشتند که چشم انتظار رسیدن عزیز سفر کرده بودند. از سانچی غیر از چند تصویر مبهم، آن‌هم در فاصله‌ای حدوداً یک کیلومتری چیزی عایدمان نشد. گویی در جهان معاصر، موضوعات سوگواری، نیاز به تصاویر و اخباری دارند که مرگ و رنج را برایمان ملموس‌تر کنند. ما با مرگ غریبه نیستیم و اطمینان داریم مرگ همین نزدیکی‌هاست. هرچند «مرگ‌آگاهی» هر یک از ما متفاوت است، اما اکثر ما در یک ویژگی تلخ شریک هستیم؛ ما به مرگی که دورتر رخ دهد کم‌اعتناتریم. کشتار مردم روهینگیا، مرگ یک فلسطینی، تجاوز به کودکی ده ساله در سوئد، مرگ پنجاه نفر پس از انفجار در کابل و سوزانده شدن یک معلول ایرانی ساکن انگلیس، همگی دردناک و غم‌انگیزند، اما دوری ما از این رویدادها از فشار روانی بالای ما می‌کاهد. هرچند اعتراف دردناکی است، اما سانچی و پلاسکو به ما آموختند که مرگ همین نزدیکی‌هاست اما انگار مرگ نزدیک‌تر، مرگ‌تر است.

در روانشناسی اجتماعی، پرداختن به رابطه بین وضعیت روانی افراد و میزان نزدیکی‌شان به کانون آسیب موضوع مهمی است. اصل کلی این است که ما هر چقدر به مرکز بحران (جنگ و کشتار، تجاوز، مرگ، زخم و جراحت و سایر سوانح) نزدیک‌تر باشیم از لحاظ روانشناختی آسیب بیشتری نیز خواهیم دید. میزان نزدیکی و دوری به رویدادهای آسیب‌زا، عامل تعیین‌کننده بسیاری از رفتارهای مقام‌های حکومتی و سیاست‌مداران نیز هست. مثلاً فشار دادن دکمه شلیک بمب اتم توسط رئیس‌جمهور یا رهبری که صدها کیلومتر از محل انفجار دور است کار بسیار آسان‌تری است نسبت به شلیک مستقیم به فردی که روبه‌روی‌مان ایستاده است. هر چند همه می‌دانیم که بمب اتمی افراد بسیار بیشتری را قربانی خواهد کرد.

خوشمان بیاید یا نه، ماجرای پلاسکو تهران هم وضعیت مشابهی داشت. این مرکز تجاری در مرکز شهر و در تیررس نگاه کنجکاو رهگذران بود و کمی رفتار غیرمسئولانه به همراه یک گوشی هوشمند کافی بود تا چنین خبری علاوه بر شاهدان بی‌شمار سانحه، در معرض دید بسیاری از افراد جامعه نیز قرار گیرد. با اولین اخبار منتشر شده خیلی‌ها سعی داشتند بدلیل سهل‌الوصول بودن مکان سانحه در آنجا حاضر شوند. موج عظیمی از همدردی اجتماعی شکل گرفت و شمع‌های سوگواری یک به یک آتش گرفتند. در سانحه آتش‌سوزی پلاسکو ۲۵ تن از آتش‌نشانان مهربان و مردم عزیزمان را از دست دادیم، رویدادی بسیار تلخ برای جامعه.

آسیب دیدگان تمرینات مدیتیشن در فرقه‌ها

۷- بی تفاوتی عاطفی: «جون»، به مدت نه سال دوره مدیتیشن را گذراند. او اکنون توان ابراز هرگونه احساسات قوی- چه مثبت و چه منفی- را از دست داده است.

- حمله عصبی: «کالوین»، به مدت ۲۵ سال در دوره‌های مدیتیشن شرکت می‌کرد و قرار بود خیلی زود مربی سازمان شود، اما دچار حمله موضعی پیچیده (شبیه یک نوع حمله صرع) شد. او طی حملات عصبی حرکات غیرارادی داشت و بعد از آن احساس گیجی می‌نمود.

۹- توهامات بصری: «کارین»، هفده سال مدیتیشن می‌کرد. وی طی دوره‌های مدیتیشن پیشرفته موجودات کوچک بالدار می‌دید که با او حرف می‌زدند. او وحشت زده بود در حالی که رهبران گروه از او می‌خواستند تا مدیتیشن خود را بیشتر و طولانی‌تر انجام دهد.

آیا مدیتاسیون مفید است؟ «دکتر مارگرت سینگل»، در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «من نمی‌گویم که هرکس مدیتاسیون انجام می‌دهد، مشکل دارد. من با بسیاری از افرادی که بر اثر مدیتاسیون مختصر، به آرامش رسیده‌اند، صحبت کرده‌ام. این افراد اعضای یک فرقه نشده بودند. همچنین، آنها بخشی از گروه‌های مدیتاسیون محصور نبودند که در آنها افراد جدا از اینکه چه ناراحتی داشته باشند، مجبور به انجام تمرینات باشند. مشکل زمانی بروز می‌کند که گروه‌های فرقه‌ای ادعا می‌کنند که برنامه تمرینات آنان برای بشریت مفید است و بنابراین، می‌تواند بر همه کس اعمال گردد. در این محیط افرادی که از تأثیرات منفی بر روی خودشان شکایت می‌کنند، جدا شده و ساکت می‌شوند. گروه به آنها می‌گوید که آنها یا مدیتاسیون را درست انجام نمی‌دهند یا شکایت آنان نشانه بد بودن خود آنهاست. فرقه‌ها در این حیطه متفاوت بودن افراد را نادیده می‌گیرند. به هر حال، همانطور که در فرقه‌ها معمول است، سرکرده فرقه فقط به خود و موفقیتش فکر می‌کند. برای او بسیار جالب است که بگوید میلیون‌ها نفر تکنیک مدیتاسیون مرا تمرین می‌کنند. این افراد تأثیرات مخرب آن را بر روی پیروان خود نادیده می‌گیرند».

دکتر سینگل، عنوان می‌کند که اغلب در تدریس عمومی روانشناسی از من پرسیده می‌شود که آیا مدیتاسیون کوتاه مدت برای فرد مفید است؟ پاسخ من این است که اگر بدون محدود کردن زندگی خود در یک فرقه بنشینید و یکی دو تا تمرین سنتی مدیتاسیون را انجام دهید، بله این کار می‌تواند خیلی کمک‌کننده باشد. مدیتاسیون به خودی خود، خوب یا بد نیست، ولی وقتی فرد طماعی می‌خواهد به شما دوره‌ای را بفروشد و شما را مجاب نماید تا زندگی خود را به او تسلیم نمایید، باید هوشیار باشید. شما نهایتاً تبدیل به برده یک سازمان پول‌دوست و قدرت‌پرست که هیچ توجهی به مشکلات واقعی شما ندارد، می‌شوید.

به گفته‌ی دکتر مارگارت سینگل، استاد دانشگاه هاروارد و متخصص شناخت فرقه‌ها، افرادی که در فرقه‌های تمرینات مدیتیشن انجام می‌دادند، دچار عوارض عمده روانی حین انجام آن شده بودند. اکثر آنان احساس می‌کردند که برای ادامه زندگی نیاز به درمان دارند. این افراد حتی بعد از گفتن عوارض منفی تمرینات مدیتیشن بر روی خودشان به رهبران گروه، همچنان تشویق می‌شدند تا به مدیتیشن ادامه دهند. مثالهای زیر، طیف آسیب‌های مختلف بر روی اعضای فرقه‌ها را نشان می‌دهد که برخی از آثار سوء آن تا سالها بعد از جدا شدن افراد از گروه باقی می‌ماند.

۱- از حال رفتن: «جان- ۲۶ ساله»، یکی از افرادی است که مدت نه سال به مدیتاسیون مشغول بود. وی اکنون یک ناتوان ذهنی است که از غش کردن، از حال رفتن، حملات شدید عصبی و بی‌حالی رنج می‌برد. ۲- سرگستگی و گیجی: «لیزا- ۱۳ ساله»، عضو یک گروه مدیتاسیون بود. او پس از این مدت، از حالت گیجی رنج می‌برد و سطح عملکرد ذهنی اش ضعیف شده بود.

۳- بروز مشکلات حافظه‌ای: «ریک»، به مدت یازده سال مدیتاسیون انجام می‌داد. او زمانی که گروه را ترک کرد، مشکلاتی در قدرت خواندن، حافظه، تمرکز و دقت بر روی مسائل داشت و دارای لرزش غیرارادی بود.

۴- از دست دادن حدود: «برونو»، یک آرشیتکت بود که چهل و چند سال سن داشت. وی بعد از یک سال از جلسات مدیتاسیون فرار کرد. او گفت: «ناگهان من با دستگاه تهویه مطبوع اتاق یکی شدم. به نظر می‌رسید که هر زمان تهویه مطبوع روشن می‌شود، مرا از بدنم خارج می‌کنند.» تجربه وحشتناک غیرقابل بیانی بود، وقتی او به مربیانش ابراز ناراحتی کرد؛ آنها به وی پاسخ دادند که اتفاق خوبی دارد می‌افتد و به او گفتند تا بیشتر مدیتیشن کند. وی برای خوابیدن مشکل داشت و خیلی خسته بود. تجویز آرام‌بخش توسط پزشک به بهبود او کمک کرد.

۵- ابراز هیجانات غیر عادی: «تام- ۲۶ ساله»، پس از وارد شدن به دوره مدیتیشن پیشرفته، دچار بروز ناگهانی عصبانیت شدید بدون ارتباط با هر آنچه در پیرامون او اتفاق می‌افتاد، شد. او از اینکه به مکان‌های عمومی برود وحشت داشت، زیرا نمی‌دانست چه وقت دچار هیجانات غیرعادی می‌شود.

۶- لقوه عضلات: «جاش»، که بیش از ده سال از عمر خود را در یک گروه مدیتاسیون صرف کرده بود و می‌خواست یک مربی بشود، دچار لقوه عضلات سر و گردن بعد از دوره موسوم به پرواز شد. شرایط بقدری حاد بود که سازمان به جاش اجازه نمی‌داد در مجامع عمومی گروه حاضر شود.

توصیه های پزشکی

پرفسور سروش سرداری
استاد بخش بیوتکنولوژی پزشکی انستیتو پاستور ایران



آیا میدانستید:

بدن انسان دارای قابلیت درمان و تنظیم خود است. با توجه به اینکه درد یک مکانیسم دفاعی است، مصرف بی رویه و زیاد برخی داروها از دسته ضد دردها می تواند غیر ضروری تلفی گردد. این مهم وقتی که به عوارض داروها توجه شود، جلوه بیشتری پیدا می کند. خود بنده به عنوان فردی از گروه پزشکی، با اولویت ترین گروه دارویی را که در بیماری های روزمره زندگی به عنوان شاخص قابل مصرف می دانم، آنتی بیوتیکها هستند. در نهایت، اولویت و نوع مصرف دارویی شما بایستی با مشورت با پزشک تعیین گردد.

آیا میدانستید:

بدن انسان دارای مکانیسم های تنظیم اشتها و وزن است. رژیم غذایی لاغری به صورت سرخود، غالباً شدید و تنظیم نشده است. افراد در طول این رژیم ها دچار گرسنگی روانی می شوند و غالباً پس از یک دوره زمانی کوتاه، رژیم را حتی برای چند روز میشکنند تا جبران گرسنگی روانی را کرده و طی این مدت به صورت فزاینده ایی از مواد غذایی چرب و شیرین به میزان و حجم فراوان مصرف می کنند. این رفتار به صورت مخفیانه و یا با توجیه اینکه: حالا در سفر اشکال ندارد یا در روز جمعه اشکال ندارد همراه است. از ابتدا بایستی رژیم ملایم و حساب شده گرفت که گرسنگی روانی رخ ندهد.



نوآوری کامپیوتر در علم سم شناسی

علیرضا امینی راد | انجمن زیست فن آوری سلامت ایران | انستیتو پاستور ایران



و پیش بینی سمیت ترکیبات شیمیایی استفاده شده و در برهم کنش عوامل شیمیایی و ارگانسیم های بیولوژیک در مقیاس (Scale) متفاوت (ملکولی یا سلولی، تجمعی یا انفرادی) تحقیق و استنتاج می کند، سم شناسی محاسباتی (-Computational toxicology) گفته می شود.

روش های ارزیابی خطر (Risk assessment) سمیت ترکیبات شیمیایی در مدل های محاسباتی (In silico) متفاوت و براساس رابطه های محاسباتی ریاضی وار پی ریزی شده اند، از رایج ترین و کاربردی ترین مدل های سم شناسی محاسباتی می توان به منحنی های دوز-پاسخ (-Dose-Re-sponse) و مدل های فارماکوکینتیک (Pharmacokinetics) و فارماکودینامیک (Pharmacodynamics) اشاره کرد. به عنوان مثال دانشمندان سیر پیشرفت بیماری سرطان سینه (Breast Cancer) را به صورت پارامترهای محاسباتی در برابر فاکتورهای متغیری از قبیل: ویژگی های اندام مورد نظر و عملکرد ملکولی-سلولی بافت و پارامتر های دارویی، در فرمول محاسباتی فارماکوکینتیک و فارماکودینامیک مختص این بیماری قرار می دهند و در محیط مجازی سیر بیماری یا راه مقابله ایمنی میزبان را شبیه سازی کرده و با توجه به خروجی محاسبات نظریه پردازی و استنتاج می کنند. دانشمندان امیدوارند تا با بکارگیری علوم کامپیوتری و ریاضی وار سرعت پیگیری و انجام آزمایشات در علوم پزشکی به طور چشم گیری افزایش یافته و درمان بسیاری از بیماری های صعب العلاج و یا لاعلاج با پیش بینی های کامپیوتری میسر شود.

سالانه با افزایش مقادیر مواد شیمیایی سنتتیک در جهان بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد که راه هایی برای پیش بینی و تضمین ایمنی این مواد داشته باشیم. انتظارات عمومی و مدیریتی جامعه های امروزی به دنبال دستیابی به داروهای جدید و ایمن هستند به طوری که بدیهی است با استفاده از روش های معمول و رایج در فرآیند تهیه و آزمایش های تأیید ایمنی داروها و ترکیبات شیمیایی جدید زمان زیادی برای در دسترس قرارگیری این تقاضا صرف انجام آزمایشات متعدد خواهد شد. تعیین میزان سمیت و اثرات جانبی ترکیبات شیمیایی و اینکه چه تأثیرات مضرى بر انسان، حیوانات و محیط زیست می گذارند بسیار حائز اهمیت و پروسه ای زمان بر و پرهزینه می باشد؛ همچنین این مهم گامی استراتژیک و اساسی در طراحی داروها به شمار می آید. مدل های حیوانی آزمایشات تعیین سمیت و ایمنی مواد شیمیایی مدت زمان بسیار زیادی برای استنتاج منطقی و صحیح اتلاف می کنند، مادامی که این مطالعات محدودیت و ملاحظات اخلاقی و بار اقتصادی نیز دارا می باشند.

روش های محاسباتی برای پیش بینی و تخمین (Predictive) سمیت مواد شیمیایی مفید به حساب می آیند. In silico toxicity، نوعی ارزیابی سمیت است که بوسیله ی اعمال ریاضیات و روش های محاسباتی برای آنالیز، شبیه سازی (Simulations) و یا پیش بینی سمیت مواد شیمیایی به کار می رود. به این شاخه از علم سم شناسی که در آن بجای انجام آزمایشات طولانی مدت و صرف هزینه های زیاد اقتصادی و زمانی، از علوم ریاضی و کامپیوتری برای تخمین

آلودگی هوا و راهکارهای مقابله با آن

دکتر بیتا شهرامی

دستیار تخصصی فارماکوتراپی (داروسازی بالینی) دانشگاه علوم پزشکی تهران



آلودگی هوا به یک مشکل جهانی تهدید کننده سلامت بشر تبدیل شده که زندگی و سلامت میلیون ها انسان در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی (WHO) سالانه حدود ۲/۴ میلیون نفر در دنیا به دلیل عوارض حاصل از آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند. اثرات آلودگی هوا بر روی سلامت انسان شامل طیف وسیعی است که از میان آنها می توان به افزایش خطر بیماری های قلبی عروقی، بیماری های تنفسی، دیابت، اختلالات اعصاب و روان، التهابات چشم و پوست، اختلالات جنینی، سرطان و افزایش مرگ و میر ناشی از بیماری های مزمن اشاره کرد. علاوه بر راهکارهای اصلی مقابله با آلودگی هوا نظیر: سیاست گذاری های صحیح شهری و کنترل منابع آلودگی، راهکارهای فردی نیز برای مقابله با اثرات مخرب آلودگی هوا توصیه می شوند که توجه به آنها بخصوص برای افراد با بیماری مزمن قلبی یا ریوی، سالمندان و کودکان حائز اهمیت است. شماری از این راهکارها عبارتند از:

. کاهش در معرض قرار گرفتن در فضای بیرون در روزهای آلوده
. ماندن در منزل و کاهش نفوذ هوا به داخل منزل از طریق درب و پنجره ها
. استفاده از دستگه های تهویه هوا در منزل و محیط کار
. محدود کردن فعالیت فیزیکی بخصوص در بیرون از منزل
. خودداری از استعمال دخانیات
در اینجا تغذیه هم می تواند در پیشگیری از اثرات مخرب هوای آلوده نقش داشته باشد. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات، تغذیه سالم و غنی از ویتامین ب، ویتامین سی، ویتامین ای، ویتامین دی و امگا ۳ (در غذاهای دریایی) موجب تعدیل عوارض حاصل از آلودگی هوا می شوند و از پیشرفت بیماری های مزمن چون بیماری های قلبی ریوی پیشگیری می کند. مصرف داروهای گیاهی مانند: عرق پونه، عرق شوید، سوپ جو، شلغم، لیمو و نارنج، سرکه، گلاب و سیر راهکارهای دیگری است که هنوز در منابع معتبر علمی تأیید نشده اند و به استناد مقالات و مطالعات علمی اثبات نشده اند.



بحران آبی یکی از دغدغه های کشاورزان اصفهانی

۲- افزایش اعتبار در بودجه ۹۷

۳- ردیف دار کردن تونل گلاب در بودجه ی ۹۷

۴- اصلاح تعرفه برق

۶- حفظ میزان آب چاهها و سهم برداشت از آن

لازم به ذکر است که جناب آقای دکتر کامران به عنوان رئیس کمیته ی آب از سوی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور جناب آقای محمد جواد کولیوند منصوب شدند تا با استفاده از تجربیات، پشتکار و دلسوزی همیشگی شان پیگیری امور مربوطه به نحو احسن انجام گیرد.

همچنین، با پیگیری های دکتر حسن کامران در نهاد ریاست جمهوری، در جلسه هیأت دولت به ریاست دکتر روحانی ۲۵۰ میلیارد ریال برای جبران خسارات، رفع کمبود منابع آبی، ساماندهی وضعیت قنات و رودخانه زاینده رود در شرق اصفهان اختصاص داده شد.

طی سالهای اخیر، بحران آبی یکی از دغدغه های کشاورزان اصفهانی به ویژه کشاورزان شرق اصفهان و حقایه داران بوده و هست، لذا جلسه ای در تاریخ ۲۹/۸/۹۶ با حضور وزیر محترم نیرو، معاونین و حدود پنجاه نفر از کشاورزان شرق اصفهان بنا به درخواست نماینده محترم اصفهان جناب آقای دکتر حسن کامران جهت پیگیری مطالبات مردمی تشکیل شد و پس از یک گفتگوی ۳ ساعته؛ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.

۱- در مورد آب پاییز جلسه ای با نمایندگان کشاورزان شرق و غرب و نماینده محترم اصفهان جناب آقای دکتر حسن کامران مورخه ۴/۹/۹۶ در دفتر برادر محترم جناب آقای احسانی تشکیل و میزان آب حقایه داران جهت شورای هماهنگی رهاسازی آب پاییز مشخص گردید.

اهمیت عملیات فرآوری مؤثر کیفیت فرش کات میوه و سبزی

مهندس سیدمحمد حسینی ملا - پژوهشگر علوم زیستی و مدرس دانشگاه

عملیات های فرآوری، به عنوان مثال، بسته بندی و دمای انبار، کیفیت را بهبود نمی بخشند؛ بلکه فقط می توانند سرعت رخ دادن زوال را آهسته تر کنند. اعمالی از قبیل: شستشو، دسته بندی و هم اندازه بودن برای خدمت به ذهن مصرف کننده انجام می شوند و به طور کلی کیفیت ذاتی را بهبود نمی بخشند. در صنعت محصولات تازه برش یافته، عمر مفید، زمان مورد نیاز یک محصول تازه برش یافته برای از دست دادن ویژگی های کیفی مانند: طراوت، سفتی، بافت، رنگ، عطر و ارزش تغذیه ای به زیر سطح قابل قبول برای مصرف کننده است. اهمیت نسبی هر یک از عوامل کیفیت با توجه به محصول و بازار متفاوت است. پتانسیل نهایی کیفیت پس از برداشت و عمر مفید محصولات تازه قبل از برداشت تعیین می شود. عملیات های فرآوری، به عنوان مثال، بسته بندی و دمای انبار، کیفیت را بهبود نمی بخشد؛ بلکه فقط می توانند سرعت رخ دادن زوال را آهسته تر کنند.

از آنجایی که هدف صنعت محصولات تازه برش یافته جلوگیری از حضور پاتوژن ها و حصول اطمینان از ورود آنها در طی سیستم فرآوری است و همچنین، از آنجا که رشد، درونی سازی و رفتار نفوذ آن ها مشخص نیست، تیمارهای ضد عفونی کننده مؤثر نیستند و سلامت غذایی را تضمین نمی کنند، در نتیجه GMPs، GAPs و HACCP برای جلوگیری از آلودگی پاتوژن انسان ضروری هستند. GAPs نشان می دهند که زمین مورد استفاده برای چرای دام، برای پرورش سبزی ها مناسب نیستند و توصیه می شود که از مصرف کود دامی و کمپوست به عنوان کود اجتناب شود، زیرا آن ها می توانند منابع آلودگی میکروبی و فلزات سنگین باشند.

محصولات تازه به طور کلی و محصولات تازه برش یافته به طور خاص، فاسد شدنی هستند. در زمان برداشت، تنزل کیفیت رخ می دهد که منجر به ضایعات مواد اولیه حتی قبل رسیدن محصول به مصرف کننده می شود. ضایعات پس از برداشت میوه ها و سبزی های تازه به ترتیب بین ۲ و ۲۰ درصد در کشورهای توسعه یافته و بین ۲۴ و ۴۰ درصد در کشورهای در حال توسعه، برآورد شده است. عمر مفید طولانی به غیر از طیف محدودی از گونه ها و توپولوژی های تولید شده، با توجه به سرد کردن اولیه سریع و حفظ زنجیره

در ادامه مطالب قبلی که به صورت مقدمه ای بر صنعت سبزی و میوه های آماده برای مصرف (Fresh-cut) بوده و بایستی خاطر نشان شد که در چند سال گذشته، شاهد افزایش فروش محصولات تازه برش یافته در سراسر جهان بوده ایم. از کل فروش محصولات، برای خرید و فروش محصولات تازه بریده شده به ترتیب سهمی برابر ۱۸ درصد در اروپا، ۹ درصد در ایالات متحده و ۵ درصد در استرالیا، برآورد شده است. تأثیر ژنوم، شرایط رشد، بلوغ در زمان برداشت و رژیم انباری، عوامل حیاتی هستند که تعیین کننده سطح کیفیت نهایی در محصولات تازه، پیش از فرآوری محصولات تازه برش یافته می باشند. مواد اولیه وارد شده به صنعت محصولات تازه برش یافته، قبل از فرآوری باید در حالت مناسب از نظر سلامتی، فیزیولوژی و کیفیت بیرونی و درونی باشند.

اولین و مهم ترین جنبه ای که فرآوری پس از برداشت و عمر مفید مراحل بعدی را تحت تأثیر قرار می دهد، کیفیت مواد اولیه در زمان برداشت است. عملیات فرآوری هر گونه بخش های غیرقابل خوردن را حذف می کند، اما عمر قفسه ای محصول خوراکی را چندین هفته یا ماه، بسته به ماده اولیه کاهش می دهد. تولید میوه ها و سبزی های تازه برش یافته دربرگیرنده آسیب مکانیکی قابل توجه به علت پوست کردن، قطعه قطعه کردن، بریدن به قطعات کوچک، خرد کردن و ریز ریز کردن است. کیفیت تغذیه ای و حسی باید قابل مقایسه با محصول فرآوری نشده باشد. سبزی های برگ، به ویژه برگ های کوچک و لطیف، مورد علاقه مصرف کنندگان هستند، اما این برگ ها بسیار ظریف حساس به فرآوری می باشند. نیاز به کنترل و نوآوری فناوری برای بهینه سازی تمام روش های تولید و فرآوری محصولات تازه برش یافته وجود دارد. حالت اصلی محصول تازه برش یافته از نظر فیزیکی در طی عملیات پیرایش، پوست کردن، شستشو و برش تغییر می کند. با این حال، محصول تازه برش یافته در حالت تازه باقی می ماند و بنابراین، توسط بافت های زنده که دستخوش و یا حساس به فعالیت آنزیمی، پوسیدگی بافت، تولید ترکیبات فرار نامطلوب و آلودگی میکروبی هستند، مشخص می شوند که عمر قفسه ای آن ها را کاهش می دهند.

سرد با دماهای به طور کلی کمتر از ۴ درجه سانتی‌گراد پس از برداشت و در طی فرآوری، حمل و نقل و توزیع به دست آمده است، در حالی که این دماها، بندرت در بسیاری از کشورهای اروپایی بکار گرفته می‌شوند. مرحله بلوغ میوه و سبزی‌ها قبل از انتخاب کردن برای فرآوری محصولات تازه برش یافته، یک فاکتور بسیار مهم است که به تعیین پتانسیل کیفیت و عمر مفید محصول کمک می‌کند. کیفیت خوراکی و عمر مفید محصولات میوه تازه برش یافته توسط مرحله رسیدگی در زمان برش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. فرآوری کنندگان این محصولات ارقامی با تنفس و نرخ قهوه‌ای شدن آنزیمی پایین و مقاوم به تنش‌های حاصل از عملیات‌های مکانیکی، مانند: شستشو، درجه بندی، برش و خشک کردن می‌خواهند. انتخاب ارقامی با میزان تنفس کم و میزان تنفس پس از برداشت، ابزار بسیار مفیدی برای افزایش طول عمر مفید محصولات تازه است. همچنین، استفاده از ارقام متحمل به دمای پایین در زنجیره عرضه ترجیح داده می‌شوند.

در حال حاضر، نارضایتی مشتری از طعم محصول موجب مصرف کم میوه‌ها و سبزی‌ها شده است. تشویق تولید کنندگان به برداشت میوه در مراحل تا حدی رسیده تا به طور کامل رسیده به وسیله توسعه تکنیک‌های دست‌ورزی برای محافظت میوه از آسیب‌های فیزیکی ضروری است. در حال حاضر، عمر مفید میوه‌های تازه برش یافته حدود پنج روز است، زیرا برای حفظ مرحله رسیدن مناسب برای صنعت محصولات تازه برش یافته در مقیاس تجاری بسیار دشوار است. میوه به طور کلی در مرحله تا حدی رسیده برداشت می‌شود، که یک تعریف دقیق است. پژوهش‌ها اساساً روی چند گونه که هسته اصلی صنعت محصولات تازه برش یافته هستند، مانند: کاهو، اسفناج، ملون، هندوانه، سیب و به تازگی برخی از میوه‌های استوایی، متمرکز شده است. نیاز به توسعه تحقیقات در مواد ژنتیکی برای چندین گونه وجود دارد، که نشان‌دهنده یک حفره در صنعت محصولات تازه برش یافته است. از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده عمر مفید میوه‌های تازه برش یافته می‌توان انتخاب ارقام مناسب، بلوغ مناسب در زمان برداشت و شرایط مناسب انبار را نام برد.

درس شگفت انگیز زلزله کرج و تهران

احسان محمدی

زلزله تقریباً ده ثانیه احساس شد، اما میلیون ها نفر به خیابان ریختند. نیمه برهنه، با دست خالی، بدون سوئیچ ماشین، سند خانه، دسته چک و حتی مدارک شناسایی! میلیون ها نفر همه آن چیزهایی که یک عمر برای داشتن شان جنگیدند، عرق ریختند یا خون دیگران را در شیشه کردند را بدون لحظه ای درنگ رها کردند و فقط جان ناپابل را برداشتند و به خیابان زدند. میلیون ها زن طلاهای عزیزشان، چکمه هایی که روزها پاساژها را برای خریدن شان وجب کرده بودند، یخچالی که دوستش داشتند، دکوری که ده بار برای چه جور چیدنش با همسرشان جوری بحث کرده بودند انگار مهمترین اتفاق زندگی است، غذایی که برای پختنش از صبح زحمت کشیده بودند را از یاد بردند و گریختند. میلیون ها نفر حتی یادشان رفت کی هستند؟ تا دقایقی پدر و مادر و همسر و فرزند و معشوقه از یادشان رفت. همه آن چیزهایی که یک روز با اطمینان می گفتند امکان ندارد یک ثانیه از یادم بره!

هیچکس به فکر این نبود که فلان لباس مارک، فلان کفش گران قیمتش را با خودش بردارد و یا حتی مدرک تحصیلی و حکم انتصاب به عنوان مدیر فلان جای مهم که برایش زیرآب صدها نفر را زده بود، بدون وضو رفته بود صف اول نماز جماعت اداره و حاجی فلانی سفارشش کرده بود. میلیون ها نفر فقط فرار کردند، از ترس فرو ریختن سقفی که برای خریدنش، برای اجاره کردنش، برای پرداخت قسط هایش روزها و شب ها زحمت کشیده بودند. از ترس سقفی که بخشی از عمر و سلامتی شان را برای داشتنش حراج کرده بودند. آن چند دقیقه محشر بود. میزان شجاعت آدم ها، میزان عشق و وفاداری شان به خانواده، میزان ادعاهایشان حداقل به خودشان و اطرافیان شان ثابت شد. تلخ بود اما آن چند ثانیه را دوست دارم. برای اینکه هزاران بار در ذهنم با آن مواجه شده ام، اینکه تا دقیقه دیگر هیچکدام مان ممکن است نباشیم. اینکه مرگ به اندازه زندگی واقعیت دارد. درس عبرتی بود برای ما که عبرت نمی گیریم. مایی که بعد از آرام شدن نسبی اوضاع دوباره همان موجودی شدیم که بودیم!



برای پی‌ریزی جامعه‌ای بکوشیم که در آن بلای ویرانگری به نام گرسنگی جایی نداشته باشد، فقر تنها آفت یک طبقه نیست بلای همه جامعه است!

ویکتور هوگو



وقتی که که درسام تموم شد و تونستم یه مدرک مردم پسند بگیرم، همه خانواده با من خوشحال بودند. من، فرد تحصیل کرده خانواده در انتظار دنیای شیرین کاری خوب با درآمدی عالی خدمت سربازی را هم از سر گذراندم. حال من بودم با یک مدرک معتبر بر روی سینه در جستجوی بهترین پست ها، اما دریغ از یک پیشنهاد، حتی یک صدم انتظارم هم برآورده نشد. فقط فرم و خودکاری که همه جا مرا به سخره گرفته بود. پدر دور از چشمم و سپس در پیش رویم به هر کس که می توانست رو زد تا من بشوم کارشناس مدرکم در هر جایی که بشود و بلاخره من شدم منشی پزشکی نیمه وقت که کمی بیشتر از هیچ حقوقم بود. موهایم ریخت. گوشه گیر شدم و تنها، سیگار شد میهمان لبانم و من شدم سربازی برای خانواده، شاید هم جامعه. به راستی آیا در زمانی اشتباه پا به دنیا گذاشته ام؟ این مطلبی است بی فاعل در این دنیای مجازی.

محمد علیزاده ثانی

سیری در تاریخ مادر علم نجوم ایران

زنده یاد آلتوش طریان از بنیانگذاران رصدخانه در ایران بود و تمام اموالش را وقف خیریه کرد و عاقبت در آسایشگاه سالمندان از دنیا رفت.



موافقت نکرد، بنابراین آلتوش طریان به خرج خانواده به دانشگاه سوربن رفت و سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) از آن دانشگاه مدرک دکترای گرفت. با وجود پیشنهاد استادی در دانشگاه سوربن، دکتر طریان با هدف خدمت به کشورش به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان دانشیار ترمودینامیک منصوب شد. این بانوی دانشمند در سال ۱۳۳۸ برای شرکت در بورسیه دولتی آلمان غربی در مطالعه رصدخانه خورشیدی انتخاب شد و پس از چهار ماه مطالعه به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۵ نقش عمده‌ای در بنیانگذاری نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی در ایران ایفاء کرد.

خانم دکتر طریان در سال ۱۳۴۳ استاد دانشگاه تهران شد و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستارهها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد. آلتوش طریان برای نخستین بار درسهای فیزیک خورشیدی و اختر فیزیک را ارائه داد. وی برای گسترش دانش و بهره گیری دانشجویان و آرامنه خانه خویش را وقف کرد. ۳۰ سال از زندگی پربارش را به تربیت دانشجویانی پرداخت که اکنون خود استادانی بزرگ در این عرصه هستند.

دکتر آلتوش طریان دانشجوی مادام کوری بودند، ولی برگشتند که به وطن خدمت کنند. ایشان اواخر عمر در یک آسایشگاه سالمندان که شرایط چندان خوبی نداشت زندگی می‌کردند. در خاطرات مربوط به ایشان گفته می‌شود که یک بار در گزارشی از دادند: "اونی که دوستش داشتم مُرد." آلتوش طریان هرگز ازدواج نکرد و منزل خود را وقف به جلفای نو اصفهان و دانشجویانی که محل اسکان مناسبی ندارند، کرد و در اواخر عمر در «آسایشگاه سالمندان توحید» زندگی می‌کرد. وی می‌گفت که من دانشجویها را خیلی دوست داشتم و بالطبع دانشجویها هم من را خیلی دوست داشتند و این مسئله باعث شده بود تا کوچکترین ناراحتی‌ای در دوران تدریسم احساس نکنم و با دانشجویانم مثل دوست رفتار می‌کردم و اصلاً خودم را نمی‌گرفتم. معلم باید مهربان باشد و مهربانی را باید به دانشجویها و دانش‌آموزانش یاد دهد چرا که این جوانان آینده کشور هستند. اگر اساتید بد اخلاق باشند، نمی‌توانند درس اخلاق بدهند. اساتید باید به‌طور مرتب مطالعه داشته باشند و باید اطلاعات خود را مطابق با مطالب روز کنند و دانشجویان هم باید خوب درس بخوانند.

این استاد بزرگ در روز ۱۵ اسفند ۱۳۸۹ برابر با ۶ مارس ۲۰۱۱ در سن ۹۰ سالگی به علت کهولت سن در تهران درگذشت. پیکر وی در روز ۱۶ اسفند ۱۳۸۹ از کلیسای مریم مقدس تشییع و در گورستان آرامنه تهران به خاک سپرده شد. بر ماست که نام این زن را پر آوازه کنیم و خدماتش را به همه بازگو کنیم. درود به مقام بلندت ای بانوی ایرانی. روحش شاد و یادش گرامی و رهروانش ادامه دهنده راهش.

آلتوش طریان در ۱۸ آبان سال ۱۲۹۹ خورشیدی در خانواده ارمنی در تهران پا به عرصه گیتی نهاد. او از پدر و مادری تحصیل کرده و اهل فرهنگ در تهران زاده شد. پدرش آرتو طریان دانش‌آموخته رشته بازیگری و نمایش از مسکو بود. او پایه گذار دومین مرکز آموزشی هنرهای دراماتیک و تئاتر سیروس بازیگری و نمایش در ایران بود. آرتو طریان مردی دانشور و ایران دوست بود که بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی را به زبان ارمنی برگردانده است. مادرش بانو وارتو طریان رشته ادبیات و هنر سخنوری را در کشور سوئیس فراگرفته بود. او نخستین زن ایرانی ارمنی است که شعرهای فارسی را دکلمه و در هنر نمایش نیز فعالیت می‌کرد. آلتوش طریان در خانواده‌ای با چنین پشتوانه فرهنگی ادبی و هنری خانوادگی دوران کودکی را سپری کرد. وی تحصیلات پایه را در مدرسه آرامنه و دوره دبیرستان را در دبیرستان انوشیروان دادگر زرتشتیان سپری کرد. دکتر طریان مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۲۶ از دانشگاه تهران دریافت کرد و همان جا به عنوان متصدی عملیات آزمایشگاهی دانشکده علوم استخدام شد، سپس بورس تحصیلی درخواست کرد ولی استادش دکتر محمود حسابی با این درخواست



تینا همسر خسرو پارسا خواننده مشهور پاپس از اطلاع از رابطه ی پنهانی همسرش با دختر دانشجویی به نام «حنا» اقدام به خودکشی ناموفق می کند که قطع نخاع شده و در حالت کما از بیمارستان مرخص شده و به خانه فرستاده می شود. خسرو پارسا، با آوردن «حنا» به عنوان پرستار خصوصی همسرش تینا با یک تیر چند نشان می زند، اما چندی بعد «تینا» در بسترش به طرز فجیعی به قتل می رسد و «حنا» به عنوان قاتل بازداشت و اعدام می شود؛ درحالیکه تا روز آخر مدعی بود که قاتل نیست.

داستان خشم و هیاهو، همانند دو فیلم دیگر «هومن سیدی» - فیلم ۱۳ و اعترافات ذهن خطرناک من - بن مایه ی روانشناسانه و پرداختن به مسائل اجتماعی و دیگری پایان باز دارد. آنچه مهم است، در هر سه اثر سیدی با موضوعات اجتماعی مواجهیم که به لایه های پنهانی ناشناخته ی انسان ها نقب می زند. این دغدغه فیلم ساز است که انسانی را نمایش می دهد که شناخت تمام ابعاد وجودی اش و اعمال و رفتاری که بروز می دهد؛ دشوار و پیچیده است. خواه یک نوجوان باشد یا شخصی که هویتش را گم کرده است یا هنرمند محبوبی که خودش را گم کرده است.

«خسرو پارسا»، می تواند نمادی از انسان هایی باشد که یک شبه به شهرت و محبوبیت دست پیدا کرده اند، اما در اینجا توازن بین موقعیت اجتماعی جدید با وجوه متعارف فرهنگی اجتماعی جامعه ی خویش موفق نیستند. موضوع برداشت فیلم از ماجرای غم انگیز مرحومه «شهلا جاهد» (همسر موقت فوتبالیست مشهور دهه ۶۰

آقای ناصر محمدخانی، که به جرم قتل مرحومه «لاله سحرخیزان» همسر دائمی وی اعدام شد)؛ اما آیا «حنا» هم مثل «شهلا» دچار جنون آنی شده بود یا عالمانه و از روی حسادت رقیبش را به قتل رسانده بود و یا به عشق «خسرو» قتل را به گردن گرفت که مرتکبش نشده بود تا دامن خسرو از اتهام قتل پاک شود. ابهامات پروننده شهلا از نظر افکار عمومی هنوز با برجاست و این همان چیزی است که با علاقمندی های هومن سیدی در پایان نداشتن فیلم هایش سازگار است، هرچند بسیاری از تماشاگران این نوع پایان را نمی پسندند. فیلم خشم و هیاهو، به کارگردانی و نویسندگی هومن سیدی و تهیه کنندگی سعید سعیدی است. هومن سیدی تا سالها به عنوان بازیگر شناخته می شد، اما در چند سال گذشته فعالیتش را در حوزه نویسندگی و کارگردانی افزایش داده است.

این فیلم با بازی زیبای «طنناز طباطبایی» و موسیقی بینظیر «کارن همایونفر» با بکارگیری به موقع موسیقی و مناسب با شخصیت های فیلم محصول سال ۱۳۹۴ است و در سی و چهارمین دوره ی جشنواره فیلم فجر برنده ی جایزه بهترین فیلمبرداری شد.

مهسا مستقیمی، پژوهشگر حوزه هنر و سینما

نگاهی به فیلم خشم و هیاهو

مروری کوتاه بر زندگینامه مادر تای چی ایران

استاد شکوفه دیوانی از اوان کودکی، استعداد زیادی در زمینه های گوناگون ورزشی داشته و روحیه منعطف، آمادگی بدنی و علاقه مندی وی موجب شد تا والدینش در کنار تحصیل، امکان پرداختن به فعالیت های ورزشی را نیز به طور برنامه ریزی شده برای ایشان فراهم آورند. نخستین فعالیت ورزشی ایشان، باله بود که انجام آن از سن چهارسالگی موجب انعطاف پذیری کامل جسمانی ایشان گردید. سپس، از سنین نوجوانی به سایر رشته های ورزشی از جمله شنا و والیبال علاقه مند شده و در رشته های یادشده نیز موفقیت هایی کسب نمود. استاد شکوفه دیوانی به دلیل اهمیت زیادی که برای شکوفایی معنوی و رشد و تعالی ذهنی قایل بودند، به ورزش یوگا جذب شدند و به یادگیری و آموزش یوگا، زیر نظر یکی از اساتید برجسته انگریوگا پرداخت و به مدت ۱۲ سال به عنوان مربی ارشد یوگا هم خود را صرف ترویج این ورزش نمود. طی این سال ها استاد رفته رفته با هنرهای رزمی نیز آشنا شدند بطوریکه در سال ۱۳۷۳ به بنیانگذار ووشوی ایران، استاد بزرگ تایچی چوان، مرحوم استاد حسین داوودی پناه (داداشی) معرفی شدند تا هنرهای رزمی را بیاموزند. مادر تای چی ایران، در محضر استاد بزرگ به فراگیری هنر رزمی تای چی چوان پرداخت تا بتواند به بانوان سرزمینش تای چی را آموزش دهد. به جرأت می توان گفت که اکثر زنان آموزش دیده ی این هنر رزمی در ایران پرورش یافته دست این استاد گرانقدر و یا مربیانی هستند که مادر تای چی عاشقانه آنها را آموزش داده است، هستند که این امر نشان دهنده عشق و پشتکار استاد برای آموزش و پرورش قهرمان از میان زنان و دختران ایران عزیز است. استاد دیوانی شبانه روز و بی وقفه به آموزش و ترویج این هنر رزمی مشغول هستند که در عین ظرافت و توازن و زیبایی ضامن سلامتی جسم و روح و ایجاد آرامش و تمرکز بسیار برای افرادی است که به این هنر روی می آورند.



مادر تای چی ایران، در طول این سالها در مسابقات زیادی شرکت نموده و موفق به کسب مقام های ارزنده ورزشی و افتخار آفرینی برای کشور عزیزمان ایران شدند. در اولین دوره مسابقات بانوان، ایشان به کسب دو مدال طلا نایل گردید و نیز در مسابقات بین المللی هنگ کنگ در سال ۲۰۰۹ نیز موفق به کسب دو مدال طلا و در سال ۲۰۱۶ در چین به کسب یک مدال نقره و یک مدال برنز نایل آمدند. ایشان در مسابقات جهانی ووشو شائولین (ژنگ ژو چین) سمت مربی تیم بانوان مسابقات را عهده دار بود.

تجلیل از استاد شکوفه دیوانی به عنوان یکی از پیشگامان برجسته ورزش ایران با حضور رئیس سازمان ورزش ایران آقای علی ابادی، رئیس کمیته ملی المپیک و پارالمپیک آقای هاشمی و آقای افشار زاده سال ۷۸

شایان ذکر است که استاد دیوانی در طول مدت فعالیت خود، مسابقات و همایش های بسیاری برگزار نموده که در ایجاد انگیزه و علاقه برای هنرجویان نقش بسزایی داشته است. به موازات تمام فعالیت های یاد شده، استاد دیوانی مطالعات بسیاری در زمینه خواص درمانی تایچی چوان انجام داده و در این راستا با مراکز علمی و دانشگاهی نیز همکاری داشته اند. در زمینه ی آموزش تای چی چوان، استاد شکوفه دیوانی کتب و جزواتی در زمینه فرم های پیوسته تای چی و فرم های تک حرکتی چی کونگ ترجمه و تألیف نموده اند که تا کنون ۲ جلد از این کتاب ها در دسترس هنرجویان قرار گرفته و جلد سوم آن نیز در دست تألیف می باشد.

رشوه

مرحوم استاد دکتر محمد باستانی پاریزی



وقتی فرمانفرما حاکم کرمان شد، حسین خان بلوچ که از بزرگان شهر بود را دستگیر و به‌مراه فرزند خردسالش به زندان انداخت. فرزند حسین خان بلوچ در زندان به مرض دیفتری دچار شد. حسین خان به افضل‌الملک، وزیر فرمانفرما گفت: "به فرمانفرما بگو ۵۰۰ تومان می‌دهم و بجای آن فقط پسر خردسالم را از زندان آزاد کند تا درمان شود و نمیرد."

فرمانفرما وقتی پیشنهاد حسین خان را شنید گفت: "من که فرمانفرمای کرمان هستم، نظم و انتظام مملکت خود را به ۵۰۰ تومان رشوه نمی‌فروشم."

فرزند حسین خان در زندان، جلوی پدر جان داد. اتفاقاً سال بعد، پسر خود فرمانفرما به مرض دیفتری دچار شد. فرمانفرما برای شفای پسرش ۵۰۰ گوسفند نذر کرد و به فقرا داد تا فرزندش شفا یابد، ولی سودی نبخشید و فرزند وی هم جلوی چشمان پدر جان داد. روزی فرمانفرما وزیرش، افضل‌الملک را دید و گفت عجب روزگار ی است، اگر خدا و پیغمبری در کار نیست؛ لاقلاً به دعاها ی خانواده‌های فقیر و گرسنه‌ای که آنها را با آن گوسفند ها اطعام کردم، باید بچه ام خوب می‌شد و زنده می‌ماند. افضل‌الملک گفت: "این حرف را ننزید قربان، فرمانفرما ی کل عالم، انتظام و نظم جهان را به ۵۰۰ گوسفند رشوه به فرمانفرمای کرمان نمی‌فروشد. نشو در حساب جهان، سخت گیر/ که هر سخت‌گیری بود، سخت میر/ تو با خلق آسان بگیر، نیک بخت/ که فردا نگیرد خدا، بر تو سخت

خاطرات زندگی یک آزاده قسمت چهارم نویسنده: بانو صدیقه انجم شعاع

مرتضی عسکری آزاده ی دوران جنگ تحمیلی خاطره ی اسارت خود را این چنین بازگو می کند که از استقرار ما در اردوگاه زمانی می گذشت. پس از مدتی قانونی را رونمایی کردند که اسراء باید نام و نام فامیل و نوع عضویت خودشان را در میان نیروهای مسلح ایران، روی جیب سمت چپ لباسشان بنویسند. بیشتر ترسشان از این بود که خودشان گرفتار فریب بچه های ایرانی که از هوش سرشاری برخوردار بودند، نشوند. من به همه ی چهار اردوگاه موصل؛ یک، دو، سه و چهار، رفته بودم. در هر یک از این جاها چند وقتی با همین قانون بعضی ها آن ها را سر کار می گذاشتم. روی جیب لباسم اسمم را نوشته بودم: «مرتضی عسکری - بسیجی!»

سرباز عراقی اولش می پرسید: «آنت عسکری او بسیجی؟»

می گفتم: «من بسیجی هستم.»

می گفت: «لیش تکتب اهننا عسکری و بسیجی لِمَا ذَا شِنُو قَضِيه؟ برای چی روی لباست نوشتی ارتشی و بسیجی، جریان چیه؟»

سرباز عراقی وقتی عقلش به آنچه می دید قد نمی داد، می گفت: «والله آنت حرس خمینی. به خدا تو پاسدار خمینی هستی...» به همین دلیل اسمت در لیست اکبر کلوچی به ثبت رسیده و از همان روز اول که وارد اردوگاه شدی به ما گفتند که مواظب این اسیر باشید تا کلاه سرتان نرود!»

چند روز اذیت کردن عراقی ها کافی بود. یک روز قبل از اینکه درگیری های لفظی ما به جای باریک برسد، تقاضای مترجم کردم. به او گفتم: «چه کار کنم که ما حرف هم را نمی فهمیم. من اسم فامیلم عسکری هست و رتبه ام بسیجی.» سرباز عراقی وقتی فهمید باز رو دست خورده است، چند تا مشت و لگد سنگین به من زد و با عصبانیت گفت: «باز هم تو سر ما کلاه گذاشتی ... باشد. بَعْدِيْن عُقُوْبَتٍ شَدِيْدَةٍ.. در آینده مجازات شدیدی در انتظار توست.» داشتن خودکار و قلم کاغذ ممنوع بود. مجازات شدیدی هم داشت.

مسئول نگهداری اقلام ممنوعه بودم. یک روز سوت آمار زدند. آمدند توی اتاق ما. هفت تا خودکار داشتم. دوستان نگران خودکارها و محل اختفای آن ها بودند. هر اتاق یک کوزه سفالی داشت که به آن «حبانه» می گفتند. در آن آب می ریختیم تا کمی خنک شود. حکم آبرسدکن را داشت. این حبانه روی یک پایه فلزی مستقر می شد. برای اینکه کمتر به حبانه ضربه بخورد یک تکه شیلنگ را دور میله های فلزی بسته بودم. میله های خودکار را در می آوردم توی این شیلنگ جاسازی می کردم. سربازها که داخل آمدند، ارشد اتاق با زیرکی پتویی را کنار سه پایه پهن کرد و مافوق سربازها را دعوت به نشست کرد. گروهبان عراقی روی پتو نشست و به سه پایه تکیه داد. از همان اول شروع کردم ذکر خواندن. نشستم صف اول و چشم دوختم به حبانه. دل توی دلم نبود. سربازها همه جا را تفتیش می کردند. ناگهان شیلنگ دور سه پایه توجه مرا جلب کرد. دو تا از میله های خودکار از مخفیگاه خود بیرون زده بودند. هر بار که گروهبان تکیه اش را به حبانه بیشتر می کرد، او را قلقلک می دادند و بر روی لباسش خط می کشیدند. خنده ام گرفته بود. می ترسیدم گروهبان متوجه خنده ام بشود و علت را بپرسد و من چه می توانستم بگویم، اگر هم لو می رفتم که دیگر هیچ. چند روز انفرادی را مهمان بودم. طاقت آوردم. چشم از صحنه برداشتم تا بازرسی تمام شد. وقتی سربازها از اتاق خارج می شدند، پشت لباس گروهبان چند خط کج و معوج خودنمایی می کرد. بچه های اتاق مثل ترکیدن بمب زدند زیر خنده. عراقی ها از اتاق دور شده بودند. صدای خنده ما را نشنیدند. این بار خودکارها سالم ماندند.

یکی از بهانه های عراقی ها داشتن جزوه های دعا بود. هیچ کاغذی در اختیار ما نبود. آن ها حتی بسته های کاغذی پودر رختشویی را از ما می گرفتند تا ما نتوانیم به عنوان کاغذ از آن ها برای نوشتن استفاده کنیم. قرار شد بچه های دعاخوان، ادعیه را حفظ کنند تا جزوه های دعا جمع آوری شود و حساسیت عراقی ها کم شود. یک پنجشنبه شبی داشتم دعای کمیل می خواندم که سرباز عراقی از غفلت نگهبان استفاده کرد و خودش را به پنجره رساند و اسم مرا یادداشت کرد. فردای آن روز مرا صدا زدند و

توسط افسر اردوگاه محکوم شدم به چند روز انفرادی با اعمال شاقه. آنجا مدام از من جزوی دعا می خواستند و من می گفتم چنین چیزی ندارم. تا اینکه فرمانده اردوگاه آمد وگفت: «مگر تو دعای کمیل نمی خواندی؟! گفتم: «بله». گفت: «پس چرا جزوه را نمی دهی؟» گفتم: «من دعا را از حفظ می خوانم.» فرمانده رو به سرباز کرد و گفت: «ما نمی توانیم دعا را از ذهن و اندیشه ی این ها پاک کنیم.» و بعد هم رفتند.

در اردوگاه تئاتر هم اجرا می کردیم. هم فکری می شد و متنی را آماده کردیم و می بردیم روی صحنه. برای اجرای نمایش به وسایل بازی و بازیگر و دکور نیاز بود. همه را با ذوق و سلیقه یکی یکی بچه های فرهنگی مهیا می کردند. بعضی از برنامه ها به خاطر نیاز به مکان مناسب و بزرگ تر، اردوگاهی برگزار می شد.

یک بار داشتیم آماده می شدیم برای اجرای یک تئاتر. دکور صحنه این نمایش پنجره فولاد حرم امام رضا (ع) بود، چون این قصه در آن مکان روایت می شد. نقش گنبد و گلدسته حرم امام رضا(ع) روی چند پتو نقاشی شد. برای تهیه پنجره فولاد، حاشیه زرد رنگ پتوها را که 20 سانت عرض داشت، جدا کردیم. هر یک از ما سه پتو داشت و از این حاشیه ها کم نمی آمد. حاشیه را باز کردیم، مثل طناب تابیدیم و به صورت مشبک و سوراخ سوراخ بافتیم. چند تا از بچه های جنوبی که تخصص توربافی داشتند، زحمت بافت پنجره فولاد را کشیدند. عراقی ها برای سر در آوردن از کار ما، هر وقت دلشان می خواست می آمدند تفتیش. بچه ها گاهی وقت ها برای عادی نشان دادن فعالیت ها، حتی مجبور بودند لباس های اجرای نمایش را در بیاورند، صحنه را جمع کنند و همه چیز را معمولی نشان دهند. برای همین آماده کردن یک برنامه شاید چند روز طول می کشید. اجرا اتاق به اتاق بود. اجرای آخر را می گذاشتیم برای اتاق آخری که همه پنجره هایش رو به مقر بعثی ها بود به جز در ورودی، اگر نمایش لو می رفت آخرین برنامه بود و بقیه لااقل استفاده کرده بودند. نمایش ما با روایت زندگی یک مادر شروع می شد که سه فرزند یتیم داشت و از پس مخارج بزرگ کردن آن ها بر نمی آمد. او از سر اجبار دو تا از پسرهایش را به یک سرمایه دار که

فرزندی نداشت، می سپارد. این مادر هر چند وقت به بچه هایش از راه دور سر می زد و از حالشان با خبر می شد تا اینکه خانواده ی پسرهایش از آن مکان می روند و او از دیدن فرزندانش محروم می شود. این مادر در اوج استیصال نهایتاً به مشهد مقدس می رود و به امام رضا(ع) متوسل می شود. اشک می ریزد و التماس می کند تا اینکه دعا و نیازش در پشت پنجره فولاد قبول می شود و فراقش با عنایت حضرت امام رضا (ع) پایان می یابد و او به وصال پسرهایش می رسد و دوباره آن ها یک خانواده می شوند.

در آخرین اجرا و در آخرین اتاق، وقتی پنجره ی فولاد بالا رفت و مادر توانست پسرهایش را ببیند، مداح خوش صدا، فضای غریبانه ی ما را امام رضایی کرده بود، ناگهان سربازها وارد شدند و پنجره فولاد، گنبد و گلدسته ها را جمع کردند و به مقر خودشان بردند و بچه ها را به اتاق های خودشان فرستادند. از قاب پنجره اتفاق های بعدی را نظاره می کردم. عراقی ها ماکت حرم آقا امام رضا(ع) و پنجره فولاد را به دیوار محل استقرار خودشان نصب کردند و از اردوگاه های دیگر هم گاهی برای تماشای آن می آمدند.

اردوگاه غمگین بود. حال خوش زیارت امام رضا (ع) و اشک هایی که با یاد امام غریب می ریختیم حتی نگهبان اتاقمان را هم گریان کرده بود، سینه ها از غم دلتنگی به درد آمده بود. در تنهایی مان به این فکر می کردیم حالا چه خواهد شد؟ چگونه مجازات می شویم؟ چند روز؟ اجرای تونل وحشت کمترین شکنجه ی ما بود که خودمان را برای آن آماده می کردیم. ناگهان چند سرباز آمدند و خواستار معرفی صاحب این کارهای تبلیغی شدند. درکمال ناباوری یکی از بچه های بهبهان بلند شد و همه ی مسئولیت را یک جا پذیرفت و با سربازها رفت. کاری از دست هیچ کس بر نمی آمد و تنها راه توسل به ائمه بود که از سوی بچه ها شروع شد. آرزوی همه این بود که دوست ایثارگر ما را به بغداد نبرند و در همین اردوگاه مجازاتش کنند. به بغداد بردن همان و هیچ وقت برنگشتن همان. یک هفته نگذشته بود که دوست بهبهانی ما با آثار شکنجه اما پنجره فولاد سالم به دست، به اتاق برگشت. گفتم: "چی گفتمی که هم خودت

برگشتی هم پنجره فولاد را آوردی؟"
گفت: "به عراقی ها گفتم ما شیعه ها رسمی
داریم به نام نذر. من تنها فرزند مادرم
هستم. بقیه خواهرها و برادرهایم فوت
کرده اند. مادرم برای سلامتی من نذر داشت
که مرا هر ساله به مشهد ببرد
و ۱۰ روز به پنجره فولاد ببندد تا
من زنده بمانم. حالا در اسارت باید خودم این
نذر را انجام دهم. تازه هنوز دو روز از ۱۰
روز مانده. باید ۱۰ شب این پنجره را روی خودم
بیندازم. آنها هم اجازه دادند تا ۲ روز دیگر نذر
را هم انجام دهم. به همین سادگی." ختم به
خیر شدن این قضیه یکی از ده ها عنایت آقا
امام رضا(ع) بود که در هر زمان شامل حال ما
می شد. امام رضا(ع) با ما بود. ما تنها نبودیم.



افسانه دانه خرد

داستان باستانی نوشته

کی. ای. ادولجی

مترجم: ماندانا قدیانی



خیلی سال پیش در گذشته های بسیار دور، پادشاه بزرگی به نام «ویشتاسپ» بر ایران حکومت می کرد که ثروتی هنگفت داشت و پیروزی های زیادی به نام خود ثبت کرده بود؛ یک روز «ویشتاسپ» پس از بازدید از استان ها در حال بازگشت به پایتخت بود که به اتفاق همراهانش از کنار باغی بسیار زیبا گذشتند، اما زمین اطراف آن ویران گشته بود. معلوم شد آماده سازی زمین برای کشت و کار وظیفه ای فراتر از توان اکثر مردم بود که باید هنگام نگهداری از باغ با بصیرت، خرد، فداکاری و پشتکار فراوان کار کنند؛ در این حین «ویشتاسپ» متوجه شد گروهی از مردم در حال صحبت در مورد موضوع مهمی هستند. بنابراین از وزیرش خواست تا جویای وضعیت مردم شود. وزیر به او گفت که این باغ متعلق به «زرتشت» حکیمی پرآوازه است. پادشاه در مورد آن مرد دانا و شهرتش زیاد شنیده بود، بنابراین تصمیم گرفت که زرتشت را به کاخ خود دعوت کند تا او به سؤالاتی که مشاورانش قادر به پاسخگویی نبودند، پاسخ گوید.

هنگامیکه «زرتشت» در محضر شهیار حاضر شد، پادشاه او را به کاخ خویش دعوت کرد تا در مورد اینکه چگونه آدم می تواند به خرد دست یابد، بحث کند. «زرتشت»، برای او دلیل آورد که نمی تواند کار وی در باغ را نادیده بگیرد اما با این وجود دست در خورجین خود کرد و به پادشاه یک دانه گندم داد و گفت این دانه معلم و جواب تمام سؤالات اوست.

ابتدا پادشاه از پاسخ «زرتشت» خشمگین گشت اما با اینحال با آن دانه به کاخ خویش بازگشت. خوشبختانه دانه خواص جادویی داشت و پادشاه هم آن را با خاطر جمعی کامل در جعبه طلایی گذاشت. هر روز در جعبه را باز می کرد و به امید یافتن پاسخ سؤالات خود به دانه می نگریست اما متوجه چیزی نمی شد. پس از چند ماه انتظار بیهوده، پادشاه تصمیم گرفت بار دیگر نزد «زرتشت» برود، دانه داخل جعبه طلایی را نشانش دهد و بپرسد که این دانه چه درسی قرار است به او دهد؟ از این روی «زرتشت» از پادشاه پرسید چه می شد اگر به جای قرار دادن دانه در جعبه طلایی آن را می کاشتید تا به آب و غذا دست یابید. پس با همدیگر به درس هایی که می توانستند از آن عمل ساده فرا بگیرند، اندیشیدند. ابتدا به منظور رشد و تغییر شکل باید دانه را از جعبه طلایی بیرون آورد و در زمین قرار داد. پادشاه پی برد باید از جای راحت خویش بیرون بیاید چون همان گونه که نیروهای بیشمار طبیعت بسوی دانه سرازیر می گردند تا آن را پرورش دهند، بنابراین او هم زیر سایه فهم و دانش پرورش خواهد یافت. چون فقط دانه برای آموزش در نظر گرفته شد، پادشاه هم آماده یادگیری گشت. پاسخ تمام سؤالاتی را که پادشاه داشت پیش خودش بود. او دریافت که توانایی فهم آنها و رشد خرد درون خودش قرار دارد و فهمید که به جای اینکه از دیگران پاسخ سؤالاتش



نامه به کودکی که هرگز زاده نشد

اورiana فالاجی



کسی هست که جلوش تاب بیاره. هیچ وقت نباید خودت را وقت رو به رو شدن با خطر گم کنی، حتی اگه ترس تموم جانت را گرفته باشد. آدما تو خطر پست می شن...

شاید بهتر باشه از زشتیا و غصه ها چیزی بهت نگم، فقط از دنیای شاد و قشنگ برات حرف بزنم. ولی نمی خوام سرت شیره بمالم. بهت بگم که زندگی مثل یه قالی نرمه که می تونی پابرنه روش راه بری. نه! زندگی یه جاده ی کج کوله ی پر از سنگ و کلوخه. کلوخهائی که تو رو زمین می زنه، خونی مالیت می کنه. سنگهائی که فقط با چکمه های آهنی می شه از روشون گذشت. تازه این کافی نیست چون وقتی پاهاتو بپوشونی هم یکی پیدا میشه که به سرت سنگ بپرونه!

فقط کسانی که زیادگریه کرده اند، می توانند ارزش زیبائی های زندگی را درک کنند و از ته دل بخندند. گریه کردن آسان است، اما خندیدن بسیار سخت. این حقیقت را خیلی زود می فهمی!

اگه تو پسر به دنیا بیای ام خوشحال می شم. شاید حتی بیشتر از دختر بودنت! اون وقت مزه ی بردگی بعضی از تحقیرا رو نمی چشی. می تونی هر وقت دلت خواست شورش کنی. اگه پسر باشی باید یه جور دیگه از ستم ها و بردگی ها رو تحمل کنی. خیال نکن زندگی واسه ی مردا خیلی آسونه. اگه قوی باشی یه سری مسئولیت سنگین رو سرت آوار می شه. چون ریش داری اگه نوازش بخوای یا گریه کنی همه بهت می خندن. کوچولو! سعی کن بفهمی مرد بودن یعنی کسی شدن. برای من مهمه که تو کسی باشی. آدم بودن عبارت قشنگیه چون فرقی بین زن و مرد نداره. قلب و مغز آدما جنسیت نداره. هیچ وقت به زور از تو نمی خوام که چون مردی یا زنی باید فلان کار رو داشته باشی. فقط دو تا چیز از تو می خوام. یکی این که از معجزه ی به دنیا اومدن تمام استفاده رو ببری و دومی این که هیچ وقت تن به پستی ندی. پستی یه جانور خونخوار که همیشه سر راهمون کمین میکنه. ناخوناش به بهونه هائی مثل مصلحت و عقل و احتیاط تو تن تموم آدمها فرو می کنه و کمتر

هیچ وقت ناامید نشو!

تحریر از محمدعلی کیهانی

در زمان موسی خشکسالی پیش آمد. آهوان در دشت، خدمت موسی رسیدند که ما از تشنگی تلف می شویم، از خداوند متعال در خواست باران کن. موسی به درگاه الهی شتافت و داستان آهوان را نقل نمود. خداوند فرمود: موعد آن نرسیده. موسی هم برای آهوان جواب رد آورد. تا اینکه یکی از آهوان داوطلب شد تا برای صحبت و مناجات بالای کوه طور رود. به دوستان خود گفت: "اگر من جست و خیزکنان پایین آمدم بدانید که باران می آید وگرنه امیدی نیست!" آهو به بالای کوه رفت و حضرت حق به او هم جواب رد داد، اما در راه برگشت وقتی به چشمان منتظر دوستانش نگاه کرد ناراحت شد. شروع به جست و خیز کرد و با خود گفت: "دوستانم را خوشحال می کنم و توکل می نمایم تا پایین رفتن از کوه هنوز امید هست!" هنگامی که آهو به پائین کوه رسید باران شروع به باریدن کرد. موسی معترض پروردگار شد. خداوند به او فرمود: "همان پاسخ تو را آهو نیز دریافت کرد با این تفاوت که آهو دوباره با توکل حرکت کرد و این پاداش توکل او بود." هیچوقت نا امید نشو، شاید لحظه ی آخر نتیجه عوض شود!



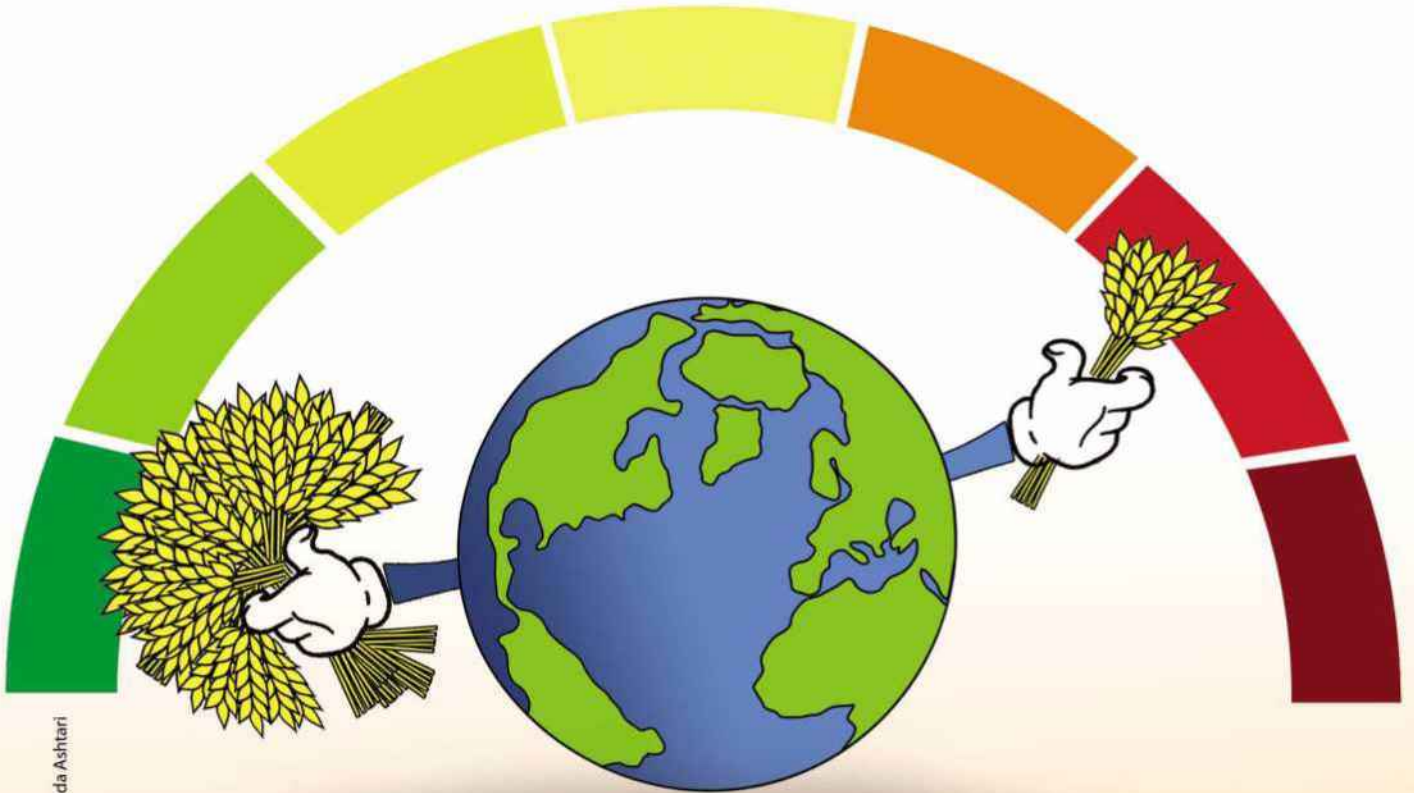
دوباره می نویسمت کنار بیت آخرم
وچکه چکه می چکم به سطر های دفترم
تو تازیانه می زنی به زخمه ی خیال من
من آب و دانه می دهم به خوش خیالِ باورم
تو مثل ماهِ برکه ای و من غریق مست شب
دوباره تو، دوباره من

شناوری، شناورم

شنیده ام ز پنجره سراغ من گرفته ای؟
هنوز مثل قاصدک میانِ کوچه پرپر
گلایه از قفس کمی عجیب میرسد
خودم قفس خریده ام برای این کبوترم
شبی بخواب دیدمت میانِ تنگِ کوچه ها
قدم زنان ، قدم زنان، تو را به خانه می برم
غزل بخواب می رود به انتها رسیده ام
تمام من چکیده شد کنار بیت آخرم

حسین منزوی

برنامه
جهانی غذا



WFP/Yalda Ashtari

در دنیا غذای کافی برای همه وجود دارد

اما مشکل اینجاست که بسیاری از مردم دنیا درآمد کافی برای تهیه غذا نداشته و یا به غذای مغذی و سالم دسترسی ندارند.
برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد بزرگترین آژانس بشردوستانه دنیا در مبارزه با گرسنگی در تلاش است تا با ارائه کمک های غذایی و همکاری با جوامع در هنگام بحران به بازسازی وضعیت معیشت آسیب دیدگان بپردازد.

با ما همراه شوید

بانک تجارت، بنام برنامه جهانی غذا

شماره کارت جهت واریز کمک های نقدی ۵۸۵۹ ۸۳۷۰ ۰۰۴۹ ۶۷۸۲

۲۲ ۸۶ ۳۴ ۹۹

wfpiran

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک قرار می گیرند.

این یک حقیقت تلخ است؛ اما سال‌هاست با مشارکت شما حمایت از همه کودکان مبتلا به سرطان ایران با امید رسیدن به شیرینی سلامتی محقق شده است.

روش‌های حمایت از کودکان محک:

شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰

۰۲۱-۲۳۵۴۰ *۷۸۰ *۲۳۵۴۰ #

از اینکه به پیام ما توجه می کنید، سپاسگزاریم.

تلفن بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org